

بازشناسی مفهوم سکونت در سکونتگاه‌های خودانگیخته مبتنی بر تجارب جهانی^۱

سارا احمدی^۲

میترا حبیبی^۳

دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر، تهران

دریافت: ۲۸ آذر ۱۳۹۷
پذیرش: ۲۲ تیر ۱۳۹۸
(صفحه ۸۴-۵۹)

کلیدواژگان: مفهوم سکونت، شیوه سکونت، سکونتگاه‌های خودانگیخته، تحلیل محتوا.

چکیده

سکونت داشتن، یعنی متعلق بودن به یک مکان حقیقی و سکنی گزیدن با مفاهیم کیفی آن، از شروط مقدماتی انسان بودن است؛ لیکن یکی از معضلاتی که شهرهای امروزی با آن روبه‌رو هستند، خیل مردمی است که به آن‌ها هجوم آورده‌اند، بدون توان تهیه مسکن مناسب و باکیفیت. ایشان از این راه به تغییر فضا مبتنی بر نیاز خود برمی‌خیزند و در بستر فضایی موجود، مسکن خود را منطبق بر نیازها و احتیاجات بنا می‌کنند و شیوه سکونت خویش را بر فضا حاکم می‌گردانند. شناسایی چگونگی تحقق امر سکونت، به دلیل اهمیت مفهوم سکونت و گسترش روزافزون سکونتگاه‌های خودانگیخته در شهرها، ضروری به نظر می‌رسد، تا بتوان پایه‌های علمی روشنی برای برنامه‌ریزی منطبق بر واقعیت زندگی در اسکان‌های مذکور ایجاد کرد. بر این مبنا، در نوشتار پیش رو، به شناسایی ویژگی‌ها و مؤلفه‌های مفهوم شیوه سکونت در سکونتگاه‌های خودانگیخته بر اساس ارزیابی و تحلیل تجارب پژوهشی مرتبط با موضوع پرداخته می‌شود. ماهیت مقاله بازشناسی تجربه زیسته مردم در سکونتگاه‌های خودانگیخته

از منظر مؤلفه‌های مفهوم و شیوه سکونت به لحاظ کیفی، با روش توصیفی-تحلیلی و بر اساس روش استدلال منطقی علمی است و گردآوری داده‌ها از طریق روش اسنادی و مطالعات کتابخانه‌ای و تحلیل آن بر اساس روش تحلیل محتوا صورت است. ابتدا مفهوم سکونت، ارتباط آن با فرهنگ، اسکان خودانگیخته، و خصیصه‌های آن شناسایی و سپس پژوهش‌های پیشین مرتبط، که یافتن آن‌ها ماحصل جست‌وجویی طولانی و گسترده در پایگاه‌های علمی معتبر داخلی و خارجی بوده است، بررسی و تحلیل می‌گردد. در انتها، با بررسی و تحلیل تجاربی در کشورهای کاستاریکا، اندونزی، فلسطین اشغالی، اسپانیا، مصر، برزیل، مکزیک، و پاکستان، مؤلفه‌ها و ویژگی‌های مفهوم سکونت در سکونتگاه‌های خودانگیخته معرفی می‌شود. نتایج حاکی از امتداد و استمرار رفتارهای مرتبط با امر سکونت در فضاهای عمومی سکونتگاه‌های مذکور بر اساس ویژگی‌ها و محدودیت‌های منحصر به فرد موجود در آن‌ها است که سرمایه اجتماعی و هویت جمعی زیادی را با خود به‌همراه دارد. رفتاری که ساکنان را همچون خانواده‌ای بزرگ با تعاملات اجتماعی بسیار قوی کنار هم نگه می‌دارد، حس حمایت مقاومتی را تحقق می‌بخشد، و به افراد در دستیابی به اهدافشان در مقابل پس‌زدگی‌های جامعه بزرگ‌تر، موانع، مشکلات، و راه دشوار پیش رو یاری می‌رساند. بنابراین، مؤلفه‌های تجلی‌دهنده مفهوم سکونت بر مبنای تحلیل‌های انجام‌شده چنین

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول است با عنوان *بازشناسی تجلی فضایی مفهوم سکونت در سکونتگاه‌های غیررسمی مبتنی بر نظریه فرهنگی؛ مورد پژوهی: مرتضی‌گرد که در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر تهران در دست انجام است.*
۲. دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر، تهران
sara.ahmadi84@gmail.com
۳. نویسنده مسئول
habibi@art.ac.ir



A. Maslow, *Maslow's Theory of Motivation and Hierarchy of Human Needs: A Critical Analysis*

۵. نک: آموس راپاپورت، منشأ فرهنگی مجتمع‌های زیستی؛ همو، معنی محیط ساخته‌شده: رویکردی در ارتباط غیر کلامی؛ همو، «فرهنگ و نظم شهری»؛ همو، انسان‌شناسی مسکن؛ کریستیان نوربرگ-شولتز، مفهوم سکونت: به سوی معماری تمثیلی؛ همو، گزینهای از معماری: معنا و مکان؛ همو، معماری: حضور، زبان و مکان؛ ادم شار، کلبه‌های دیگر؛ محمدرضا حائری‌مازندرانی، خانه، فرهنگ، طبیعت، ص ۲۸-۵۶؛ جعفر طاهری، «بازاندیشی مفهوم سکونت در معماری»؛ شاهین ایلاکاو دیگران، «تبیین مفهوم مسکن و سکونت در رویکرد پدیدارشناسی و رهیافت پارادایم‌های فرهنگی زیستی»؛ هاشم هاشم‌نژاد و محمدمین شریفیان، «بازشناسی مفهوم سکونت از دیدگاه پدیدارشناسان»؛ غلامحسین محمدی‌زاده، «تحلیل شناخت مفهوم سکونت و مسکن در جغرافیای محیطی با تأکید بر بازخوانش نظریه فرهنگ‌گرایی آموس راپاپورت»؛ مسعود کوچکیان و دیگران، «بازتعریف مفهوم مسکن و سکونت براساس مؤلفه‌های اقتصادی و اجتماعی»؛

H. Coolen & R. Ozaki, *Culture, Lifestyle and the Meaning of a Dwelling*, pp. 1-14; R. Wolford, *Wandering in Dwelling*, pp. 1-145; J. Meesters, *The Meaning of Avities in the Dwelling and Residential Environment*, pp. 5-287; *ibid*, pp. 48-174; K. Owen & D. Wong, "An Approach to Differentiate Informal Settlements Using Spectral".

پرسش‌های پژوهش پرسش اصلی:

– مؤلفه‌های وابسته به مفهوم سکونت در سطح فضاهای سکونتگاه‌های خودانگیخته مبتنی بر قابلیت‌ها و محدودیت‌های آن‌ها و براساس شیوه و سنت سکونت ایشان کدامند؟

پرسش‌های فرعی:

۱. مفهوم سکونت و مؤلفه‌های وابسته به آن کدامند؟
۲. محدودیت‌ها، امکانات، و پتانسیل‌های سکونتگاه‌های خودانگیخته چیست؟
۳. شیوه و چگونگی سکونت در سکونتگاه‌های خودانگیخته به چه صورت است؟

هستند: هویت جمعی فضا محور، این همانی فضایی، اجماع گروهی مبتنی بر اندیشه‌ورزی جمعی، امنیت درونی، جدایی‌گزینی فضایی، سرمایه اجتماعی گروهی، امنیت تصرف، فرهنگ تلفیقی (قرابت فرهنگی)، رضایتمندی سکونتی بالاتر، قدرت اجتماعی، فضای جمعی درون‌گرا، شفافیت مناسبات درون گروهی، اعتماد اجتماعی، پویایی فرهنگی، و همبستگی فضایی.

مقدمه

گزینش محل سکونت از مهم‌ترین شروط زیستن در این پهنه خاکی است و مسکن در پاسخ به ابتدایی‌ترین سطح از هرم نیازهای انسان بررسی می‌شود. مازلو^۴ عقیده دارد برآورده کردن نیازهای سطح پایین‌تر، به منظور اجتناب از احساسات یا پیامدهای ناخوشایند، اهمیت دارد. بر این اساس مسکن از مهم‌ترین نیازهایی است که، برای رسیدن به جامعه‌ای متعالی، ابتدا باید به آن پاسخ داد و تحلیل مفهوم سکونت از برجسته‌ترین اهداف این پژوهش است. یکی از شکل‌های پاسخ‌گویی به نیاز مسکن برپایی سکونتگاه‌های خودانگیخته است که این مقوله در پی مهاجرت به شهرها برای یافتن شغل و حرفه شکل گرفته است. افراد در مناطقی ساکن می‌شوند که از نظر حق مالکیت، شرایط زندگی، تراکم، ترکیب خانواده، سطح امنیت، و پیشرفت و میزان تغییر، دارای شرایط متنوع و محدودیت‌هایی هستند. این محدودیت‌ها سبب شده که افراد مهر و نشان خود را بر فضا به گونه‌ای بزنند که فضاهای مذکور بتوانند به نیازهای ایشان پاسخ دهند. بر این مبنای، به نظر می‌رسد که در سکونتگاه‌های مذکور امر سکونت با ویژگی‌ها و مؤلفه‌های متفاوتی نمود می‌یابد که، به دلیل اهمیت پدیده مذکور در زندگی انسان و فراگیری اسکان خودانگیخته در جوامع امروزی، شناسایی مؤلفه‌های مطروحه ضرورت می‌یابد.

از دیگر سو، در این مقاله به بررسی مفهوم و شیوه سکونت و ویژگی‌ها و مؤلفه‌های آن پژوهش‌های پیشین به صورت کلی و یا جزئی^۵ پرداخته و در پژوهش‌های مرتبط با اسکان خودانگیخته نیز مفهوم، شیوه زیست، شاخص‌های کالبدی و غیر کالبدی، ابعاد و رویه‌های مرتبط^۶ بررسی می‌شود، ارتباط دو امر مذکور، که مبنای مؤثری برای بازشناسی و مداخله در بافت‌های مذکور است، به صورت کامل مغفول مانده، و مفهوم و شیوه سکونت، که اساس ادراک محیط و رفتار در آن است^۷، در سکونتگاه‌های خودانگیخته، که با سرعتی شتابان گسترش می‌یابند^۸، شناسایی نگشته‌اند.



پارادایم «تفسیری» در جست‌وجوی معنا و مشاهده و رجوع مستقیم به پدیده‌های مختلف و بررسی رابطه علی میان آن‌ها هستند. در این پارادایم هدف نهایی شناخت پدیده‌های اجتماعی است که از طریق درک و تجربه پدیده‌ها حاصل می‌شود.^۱ برای گردآوری داده‌ها نیز مبتنی بر روش کتابخانه‌ای و مطالعه اسنادی است و سپس تحلیل محتوا صورت می‌گیرد.

۲. پیشینه پژوهش

۱.۲. پیشینه پژوهش‌های مرتبط با مفهوم سکونت و مسکن

با توجه به بررسی‌های صورت‌گرفته، پژوهش‌های مرتبط با مفهوم سکونت و مسکن به تفکیک پژوهش‌های داخلی و خارجی به شرح زیر استخراج شده‌اند.

– پژوهش‌های داخلی: پژوهش‌های داخلی مرتبط با مفهوم سکونت و مسکن به شرح «جدول ۱» هستند.
– پژوهش‌های خارجی: پژوهش‌های خارجی مرتبط با مفهوم سکونت و مسکن به شرح «جدول ۲» هستند.

۲.۲. پیشینه پژوهش‌های مرتبط با اسکان

خودانگیخته با تأکید بر مفهوم و شیوه سکونت

– پژوهش‌های داخلی: پژوهش‌های داخلی مرتبط با اسکان خودانگیخته با تأکید بر مفهوم و شیوه سکونت به شرح «جدول ۳» است.
– پژوهش‌های خارجی: پژوهش‌های خارجی مرتبط با اسکان خودانگیخته با تأکید بر مفهوم و شیوه سکونت به شرح «جدول ۴» است.

۳. معرفی مفاهیم

۱.۳. مفهوم سکونت و ارتباط آن با فرهنگ

از مهم‌ترین نظریه‌پردازانی که ایده اولیه مفهوم سکونت را

بنابراین، نوشتار پیش رو، با هدف شناسایی مؤلفه‌های مفهوم سکونت در سکونتگاه‌های خودانگیخته مبتنی بر تجارب پژوهشی تدوین می‌گردد. در این راستا، ابتدا مفهوم سکونت به صورت عام تعریف و ویژگی‌های اصلی سکونت بازشناسی می‌شوند. سپس سکونتگاه‌های خودانگیخته و خصیصه‌های آن‌ها از ورای تئوری‌های نظریه‌پردازان و پژوهشگران شناسایی می‌گردند. در ادامه تجارب پژوهشی در مناطق مختلف، از جمله کشورهای کاستاریکا، اندونزی، فلسطین اشغالی، اسپانیا، مصر، برزیل، مکزیک، و پاکستان بررسی و درنهایت با تحلیل محتوای آن‌ها، مؤلفه‌های مفهوم سکونت در سکونتگاه‌های خودانگیخته استخراج می‌گردند.

۱. اهداف و روش پژوهش

۱.۱. اهداف

هدف اصلی: تدوین و معرفی مؤلفه‌های وابسته به مفهوم سکونت در سطح فضاهای سکونتگاه‌های خودانگیخته مبتنی بر قابلیت‌ها و محدودیت‌های آن‌ها و بر اساس شیوه و سنت سکونت ایشان

اهداف عملیاتی:

– شناسایی نمود مفهوم سکونت در سکونتگاه‌های خودانگیخته
– شناسایی محدودیت‌ها، امکانات، و پتانسیل‌های سکونتگاه‌های خودانگیخته
– شناسایی شیوه سکونت و زندگی اجتماعی در سکونتگاه‌های خودانگیخته

۱.۲. روش پژوهش

پژوهش حاضر بر مبنای هدف اصلی پیش‌گفته و بر اساس روشی «کیفی» تدوین شده است. در سبک کیفی تلاش می‌شود تا واقعیتی اجتماعی و یا معنایی فرهنگی واکاوی و بر فرایندهای تعاملی رویدادها تأکید گردد. نگارندگان تحت

ع. نک: کیومرث ایراندوست و مظفر صرافی، «بأس و امید در سکونتگاه‌های غیررسمی؛ نمونه موردی: شهر کرمانشاه»؛ مهدی قرخلو و اصغر عابدینی، «اسکان غیر رسمی و راهبردهای ساماندهی سکونتگاه‌های نامتعارف با تأکید بر بخش مسکن در ایران»؛ کرامت‌اله زیاری و آذردخت نوذری، «ساماندهی و توانمندسازی اسکان غیررسمی شهر اهواز»؛ عیسی ابراهیم‌زاده و دیگران، «نقش مهاجرت‌های روستایی در اسکان غیررسمی؛ مطالعه موردی: متروپل اهواز»؛ نجما اسماعیل‌پور، «بررسی وضعیت مسکن در سکونتگاه‌های غیررسمی و ارائه راهبردهای ساماندهی آن‌ها؛ نمونه موردی: محله حسن‌آباد یزد»؛ کیومرث ایراندوست و روح‌اله تولایی، «الگوی مسکن فقرا در سکونتگاه‌های غیررسمی؛ نمونه موردی: عباس‌آباد سنج»؛ حسین حاتمی‌نژاد و دیگران، «بررسی شاخص‌های مسکن غیررسمی در ایران؛ نمونه موردی: محله شیخ‌آباد قم»؛ آصف بیات، سیاست‌های خیابانی؛ میترا حبیبی و نیلوفر گرامی، «چگونگی استفاده از فضاهای شهری در سکونتگاه‌های غیررسمی؛ موردپژوهی: جداره شرقی بزرگراه چمران تهران»؛ علی مدنی‌پور، تهران: ظهور یک کلانشهر، ص ۲۳۱-۲۴۴؛ دیوید هاروی و اندی مری فیلد، حق به شهر؛ محمد شیخی و دیگران، «مطالعه تطبیقی حس تعلق مکانی در سکونتگاه‌های رسمی و غیررسمی؛ مورد مطالعه: شهر جدید پردو و نسیم‌شهر»؛

جدول ۱. مروری بر پژوهش‌های پیشین داخلی، مرتبط با مفهوم سکونت و مسکن، تدوین: نگارندگان.

بیان می‌کند آموس راپاپورت است (ت ۱)، او ساختن را از رفتارهای مهم بشر برمی‌شمارد و در خصوص فلسفه ساختن و میل انسان برای شکل دادن به محیط زیست خود، آن را به ویژگی‌های ذهن بشر ربط می‌دهد. وی معتقد است که ساختمان‌ها و به یک معنا خود شهر در واقع بیان فیزیکی ایده‌های انسان و بیان‌کننده

آرزوهای او هستند و یادآوری مدام این نظم باعث تقویت و ترغیب شیوه‌های مطلوب رفتار نیز می‌گردد. بنابراین، تصویر هر قوم از نظام کائنات و افسانه‌ها در ساختار کالبدی آن قوم از واحد مسکونی گرفته تا مجتمع زیستی آن بازتولید می‌شود.^{۱۱} او مفهوم سکونت را متأثر از عوامل فرهنگی و نمودهای آن

پژوهش	روش پژوهش	تاکیدات و اهداف پژوهش	یافته‌های پژوهش
محمدرضا حائری مازندرانی، خانه، فرهنگ، طبیعت.	روش کروئولوژیک	- بررسی کالبدی- فضایی مقوله خانه در فاصله سال‌های پیش از ۱۳۰۰ و پس از ۱۳۴۰ در ایران - شناخت علل نارضایتی از پدیده مسکن در سال‌های اخیر برای فراهم‌سازی بستری برای مواجهه آگاهانه با پدیده مذکور.	- دستیابی به سازمان‌یابی آگاهانه فضا مبتنی بر فرهنگ و شیوه زندگی امروز با بهره‌گیری از دانش بومی.
جعفر طاهری، «بازاندیشی مفهوم سکونت در معماری».	تحلیل متون و تبارشناسی واژگان	- تأمل دوباره در مفهوم سکونت (مشابه هایدگر) از دیدی اسلامی و بررسی اینکه: - سکونت چیست و انسان چگونه سکنی می‌گزیند - نسبت سکونت نفس و عالم خیال - معماری چگونه و با چه ویژگی‌هایی می‌تواند سکونت به همراه آورد.	- توصیه به تطبیق مفهوم سکونت در الهیات و علوم تجربی - نفس در سرایی از جنس خود و در عالم خیال سکنی می‌گزیند - هدف از آبادی و ساختن برای سکونت مراقبت از خیال با ذکر ملکوت از طریق سکونت مثالی در سرای زمینی خیال است؛ این هدف مستلزم نگهداری از چهارگانه زوجیت، ذکر، خیال، و سکونت است.
شاهین ایلکا و دیگران، «تبیین مفهوم مسکن و سکونت در رویکرد پدیدارشناسی و رهیافت پارادایم‌های فرهنگی زیستی»	روش توصیفی- تحلیلی و روش استدلال منطقی مبتنی بر روش اسنادی و مطالعه کتابخانه‌ای	- تأکید اصلی بر مفهوم فرهنگ و تجلی آن در مسکن و وضعیت سکونت - شناسایی ۶ عامل اساسی شکل‌گیری مسکن؛ عوامل فیزیکی، مصالح و تکنولوژی، موقعیت، دفاع، اقتصاد، و مذهب.	- اهمیت پارادایم‌های فرهنگی خانه بر اساس نظریه‌های فرهنگی در پیدایش مجتمع‌های زیستی.
هاشم هاشم‌نژاد شیرازی و محمدامین شریفیان، «بازشناسی مفهوم سکونت از دیدگاه پدیدارشناسان».	روش تحقیق کیفی و توصیفی- تحلیلی	- بازشناسی مفهوم سکونت از دیدگاه پدیدارشناسان مرتبط با معماری.	- ارتباط مفهوم خانه از دیدگاه روان‌شناسی، روان‌کاوی، و جامعه‌شناسی و نه متأثر از معماری. - شکل‌گیری جوهره خانه، مبتنی بر چهارچوب سکونت ساکنان آن. - خانه، بیانی از شخصیت و خانواده و الگوهای بسیار خاص آن‌ها در زندگی. - نزدیکی سرشت خانه به خود زندگی تا به مصنوع ساخته‌ها.
غلامحسین محمدی‌زاده، «تحلیل شناخت مفهوم سکونت و مسکن در جغرافیای محیطی با تأکید بر بازخوانش نظریه فرهنگ‌گرایی آموس راپاپورت».	روش توصیفی- تحلیلی و تحلیل استدلالی	- تأکید بر ضرورت وجود فاصله و خلوت‌گزینی برای ایجاد ارتباطات اجتماعی - اگر مردم بتوانند در یک عرصه خصوصی بمانند یا در آن گوشه اختیار کنند، بسیار بهتر با دیگران ارتباط برقرار می‌کنند.	ابعاد فرهنگی خانه به مثابه اساس شکل‌گیری مجتمع‌های زیستی و تقسیم‌بندی نظریات مرتبط با سکونت به شرح زیر: ۱. نظریاتی که فضا را تعیین‌کننده روابط انسانی قلمداد می‌کنند. ۲. نظریاتی که روابط انسانی را شکل‌دهنده فضا می‌دانند. ۳. نظریاتی که فضا و انسان را در تعامل متقابل می‌پندارند.
مسعود کوچکیان و دیگران، «بازتعریف مفهوم مسکن و سکونت بر اساس مؤلفه‌های اقتصادی و اجتماعی».	مرور تحلیلی متون	- لزوم شناخت مفهوم سکونت برای تبیین تحولات آن در دوران جدید و تلاش برای مرور آن در متون و معانی واژگان. - کم‌توجهی به روح برآمده از وجوه معنوی و اجتماعی در معماری مسکونی ایران.	- اشتراک نظر اندیشمندان در این مورد که سکونت فراتر از ویژگی‌های کالبدی و منطبق با نیازهای انسانی است؛ خود این نیازها فراتر از نیازهای فیزیکی و دربردارنده مسائل اجتماعی و معنوی است. - تعریف دوباره معماری مسکونی با توجه به ابعاد اجتماعی و اقتصادی.



هایدگر نیز، از منظر واژه‌کاوی، به مفهوم سکونت روی می‌آورد. او در خطابه «اندیشیدن، ساختن، سکونت گزیدن»، با بررسی معانی سکونت و بودن انسان در زمین، دلالت‌های مختلف آن همچون هستن، بودن در آرامش، سکنی، ماندن، اقامت گزیدن، و ساختن را در زبان‌های لاتین بررسی می‌کند.^{۱۴} هایدگر با استدلال‌های زبان‌شناختی تأکید می‌کند که من هستم، یعنی من سکونت دارم و انسان بودن یعنی همچون میرنده‌ای بر روی زمین بودن، یعنی سکونت داشتن.^{۱۵} او اشاره می‌کند که مقیم بودن و حضور داشتن در جایی متفاوت از سکونت داشتن در آن است و تأکید می‌کند که در هر مسکنی سکونت گزیدن روی نمی‌دهد؛

بازتعریف و بازشناسی می‌کند و عامل فرهنگ را مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری سکونت برمی‌شمارد.^{۱۶} راپاپورت در کتاب فرهنگ، معماری و طراحی این را کافی تلقی نمی‌کند که مسکن را پاسخی بدانیم به نیاز انسان برای محافظت از خود در برابر حیوانات، انسان‌های دیگر، یا آب‌وهوا. از دیدگاه او، مسکن نهادی است که برای پاسخ‌گویی به مجموعه‌ای پیچیده از اهداف ایجاد می‌شود. هدف اصلی ساخت مسکن خلق محیطی سازگار و منطبق بر روش زندگی انسان است. علاوه بر تأمین نیازهای فردی، مسکن باید بتواند نیازهای اجتماعی انسان را نیز برآورده کند.^{۱۷}

A. Alsayyad, "Squatting and Culture: A Comparative Analysis of Informal Developments in Latin America and the Middle East"; AGA KHAN, *Al-Azhar park, Cairo and the Revitalization of Darbal-ahamar*; A. Bayat, "From Dangerous Classes to Quiet Rebels: Politics of the Urban Subaltern in the Global South"; p. 539; A. Roy & N. Alsayyad, *Urban Informality: Transnational Perspectives from the Middle East, Latin America, and South Asia*, p. 6; S. Benjamin, "Occupancy Urbanism: Radicalizing Politics and Economy Beyond Policy and Programs"; M. Davis, *Planet of Slums*, p.15-86; H. De Soto, *The Mystery of Capital: Why Capitalism Triumphs in the West and Fails Everywhere Else*; A. Gilbert, *The Latin America City*; M. Huchzermeyer, "Enumeration as a Gressroot Tool Towards Security Tenure in Slums: Insights from Kisumu, Kenya"; p. 271; A. Meir & M. Gekker, "Gendered

جدول ۲. مروری بر پژوهش‌های پیشین خارجی، مرتبط با مفهوم سکونت و مسکن، تدوین: نگارندگان.

پژوهش	موضوع پژوهش	روش پژوهش	تأکیدات و اهداف پژوهش	یافته‌های پژوهش
H. Coolen & R. Ozaki, <i>Culture, Lifestyle and the Meaning of a Dwelling</i> .	فرهنگ، شیوه زندگی، و مفهوم سکونت	روش تحلیل محتوا و روش میدانی	- تعریف مفهوم فرهنگ، به مثابه یک سیستم تاریخی منتقل شده از معانی مشترک که توسط مردم شکل گرفته و آن‌ها ارتباطات و توسعه محل خود را در درون خانه بر اساس این مفهوم شکل می‌دهند. - درک ارتباط میان مفاهیم فرهنگ و شیوه زندگی با عرضه چارچوب مفهومی مبتنی بر دو دیدگاه نظری ویژگی‌های مسکن و معانی با سطوح متفاوت.	- این مفهوم فرهنگ و سکونت است که باعث شکل‌گیری گزینش فعالیت‌های افراد بر اساس محیط (فضای عمومی، نیمه‌عمومی و خصوصی) مبتنی بر فرهنگ و شیوه سکونت می‌شود. - استخراج ویژگی‌های مفهوم سکونت به شرح زیر است و ارزیابی آن‌ها در نمونه پژوهشی هلند و انگلستان قابل پیگیری است: آزادی، حریم خصوصی، راحتی، لذت بردن از زندگی، ارتباطات اجتماعی، سلامتی، رفاه، سنت، خانواده.
R. Wolford, <i>Wandering in Dwelling</i> .	سرگردانی در مفهوم سکونت	تحلیل محتوا	- بررسی نوسانات مفهوم سکونت به دلیل نبود توانایی در شناسایی مفهوم ثابت برای آن. - تغییرپذیری مفهوم سکونت در مکان‌های مختلف.	- نیاز مسکن به یک پیش‌شرط از حرکت ناگهانی دارد که تنها در ماندن در محل است. - یک نوسان ضروری بین ماهیت بودن در هستی‌شناسی ماندن در محل وجود دارد. - مسکن همچنین شامل تخصیص زمان می‌شود و دلبستگی به سایت راه، که بر مبنای آن و درون آن یادگیری می‌شود، به ارمغان می‌آورد.
J. Meesters, <i>The Meaning of Activities in the Dwelling and Residential Environment</i> .	معنای فعالیت در مفهوم سکونت و محیط مسکونی	روش تحلیل محتوا و استفاده از روش تحلیل شبکه، برای شناسایی روابط و تنظیمات میان فعالیت‌ها و معانی	- بررسی فعالیت‌های مرتبط با مفهوم سکونت. - شکل‌گیری الگوهای رفتاری و فعالیت‌های انسان بر اساس محیط مسکونی، طبیعی، و ویژگی‌های حاکم بر این دو.	- خانه محل سکونت و ایجاد روابط با خانواده و دوستان است. - مسکن محل گذران اوقات فراغت بسیاری از مردم است. - مسکن یک پناهگاه از دنیای بیرون است، جایی که مردم می‌توانند (بیشتر یا کمتر) آنچه را می‌خواهند انجام دهند.

Space, Power Relationships and Domestic Planning and Design among Displaced Israeli Bedouin"; R. Neuwirth, *Shadow Cities: A Billion Squatters, a New Urban World*, p. 245; M. Roman, et al, "Urban Planning, Gender and the Use of Public Space in a Peripheral Neighbourhood of Barcelona"; A. Roy, *Urban Informality: The Production of Space and Practice of Planning*, p. 15; H. Ruther, et al, "Application of Snakes and Dynamic Programming Optimization Technique in Modeling of Buildings in Informal Settlement Areas", p. 64; A. Saaghous, *From Flooding to Formalization: A Case Study of the Informal Settlement of Green Park*; A. Simone, "People as Infrastructure: Intersecting Fragments in Johannesburg"; W. Some, et al, "Renovation not Relocation: The work of Paguyuban Warga Strenkali (PWS) in Indonesia"; P. Zeilhofer & V. Topanotti,

جدول ۳. مروری بر پیشینه پژوهش‌های داخلی مرتبط با اسکان خودنگیخته، با تأکید بر مفهوم و شیوه سکونت، تدوین: نگارندگان.

پژوهش‌ها	روش پژوهش	تأکیدات و اهداف پژوهش	یافته‌های پژوهش
پرویز پیران، «شهرنشینی شتابان و ناهمگون: مسکن ناپهنجار»؛ همو، «تقدم و تسلط شهری: دیدگاه‌های نظری»؛ همو، طرح ساماندهی تپه مردآباد کرج (زورآباد)؛ همو، «آلونک‌نشینی در ایران»؛ همو، فقرزایی در سکونتگاه‌های غیر رسمی شیرآباد زاهدان.	توصیفی و استفاده از داده‌های کیفی و تحلیل سه‌سطحی	– وابستگی مسکن به نظام سرمایه‌داری – شکل‌گیری رفتارها متناسب با این محیط‌ها – مسکن خودنگیخته راهکار خوداندیشیده تهیدستان غیر متشکل شهری در مقابله با معضل مسکن – وجود شبکه‌ها و سرمایه‌های اجتماعی بسیار قوی در بین ساکنان این سکونتگاه‌ها	– بازتعریف مفهوم حاشیه‌نشینی و استفاده از اسکان خودنگیخته به جای آن. – تبیین ابعاد این پدیده در کشور. – مسئله توسعه برون‌زا، شهرنشینی و آلونک‌نشینی به صورت نظری و موردی. – عرضه نظرهایی در شناسایی علل شکل‌گیری این سکونتگاه‌ها.
مظفر صراف، به‌سوی نظریه‌ای برای ساماندهی اسکان غیر رسمی از حاشیه‌نشینی تا متن شهرنشینی.	توصیفی و استفاده از داده‌های کیفی و روش تحلیل محتوا	– سکونتگاه‌های خودنگیخته به مثابه واقعیتی اساسی و قابل سامان‌دهی در شهرها	– بازشناسی علل رویش اسکان خودنگیخته در سطح خرد و کلان. – تأکید بر راه حل مداراگرانه و اصلاح تدریجی در راستای یکپارچگی با شهر رسمی از رهگذر راهبرد توانمندسازی.
کیومرث ایران‌دوست و مظفر صراف، یاس و امید در سکونتگاه‌های غیر رسمی، نمونه موردی: شهر کرمانشاه، نشریه رفاه اجتماعی	رویکرد آمیخته و توصیفی-تحلیلی و استفاده از داده‌های کمی و کیفی و روش مصاحه عمیق و گفتگوهای جمعی	– تأکید بر متفاوت بودن سامان‌دهی و بهسازی سکونتگاه‌ها با توجه به تفاوت سکونتگاه‌های خودنگیخته، که رویکرد برنامه‌ریزی شهری تأثیر بسزایی در آن دارد. – تأکید بر متنوع بودن دستور کار هریک از سکونتگاه‌های امید و زوال	– بررسی تفاوت‌های بنیادی میان سکونتگاه‌های خودنگیخته در حال ترقی و در حال زوال. – تأکید بر روند تکوین و تکامل و شرایط اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، و محیطی سکونتگاه و نیز رویکرد مدیریت و برنامه‌ریزی شهری به مثابه عامل تفاوت در سکونتگاه‌های خودنگیخته.
کیومرث ایران‌دوست و روح اله تولایی، الگوی مسکن فقرا در سکونتگاه‌های غیر رسمی: نمونه موردی: عباس‌آباد سنندج	روش‌های کمی-تحلیلی و مطالعه اسنادی-کتابخانه‌ای و روش پژوهش میدانی	– مطالعه و بررسی ویژگی‌های اصلی و الگوی مسکن فقرا در محله عباس‌آباد سنندج – توجه به شاخص‌های کالبدی مسکن چون زیرساخت‌ها، مصالح ساختمانی و میزان دوام، اندازه قطعات، معماری مسکن، مالکیت، تأمین مالی، شیوه ساخت‌وساز، و شبکه معابر	– برشمردن سکونتگاه خودنگیخته به منزله عینیت کالبدی فقر شهری. – ایجاد سکونتگاه‌های خودنگیخته توسط فقرا به منظور پاسخ دادن به نیاز مسکن به علت ضعف و ناکارآمدی سیاست‌های ملی و محلی.
شیخی و دیگران، مطالعه تطبیقی حس‌تعلق مکانی در سکونتگاه‌های رسمی و غیر رسمی مورد مطالعه: شهر جدید پردن و نسیم‌شهر	روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از داده‌های کیفی با روش تحلیل محتوا	– پدیداری روح جمعی به دلیل تکوین پیوندهای اجتماعی و حضور در شبکه‌های اجتماعی در مکانی معین و شکل‌گیری نوعی حس‌تعلق مکان و سرمایه اجتماعی.	– ایجاد حس‌تعلق و افزایش سرمایه اجتماعی به دلیل حضور افراد در فضاهای نیمه‌عمومی-نیمه‌خصوصی. – روحیه جمعی و حس‌تعلق بیشتر میان ساکنان سکونتگاه‌های خودنگیخته به دلیل حضور مستمر یا مداوم افراد در فضاهای نیمه‌عمومی-نیمه‌خصوصی.
حبیبی و گرامی، چگونگی استفاده از فضاهای شهری در سکونتگاه‌های غیر رسمی، مطالعه موردی: جداره شرقی بزرگراه چمران تهران	روش کمی-کیفی و استفاده از جدول نمونه‌گیری مورگان و توزیع ۲۰۱ پرسش‌نامه سنجش مکان و نمونه‌گیری احتمالی تصادفی و نیز تحلیل عاملی SPSS	– توصیف چگونگی انجام فعالیت‌های ضروری، انتخابی، و اجتماعی در فضاهای شهری سکونتگاه‌های خودنگیخته و تبیین دلایل این رخدادها با مورد پژوهی جداره شرقی بزرگراه چمران. – وجود سامانه‌های حمایتگر قوی و سرمایه اجتماعی ساکنان.	– استفاده از فضاهای شهری در سکونتگاه‌های خودنگیخته، به منزله رفتار یک خانواده بزرگ که از جامعه روستا-شهری کوچک، به مثابه جامعه مبدأ، به جامعه کلان‌شهری مقصد مهاجرت کرده است. – فضاهای شهری بستر بروز فعالیت‌های متنوع با بازدهی زمانی، بادوام، و تواتر زیاد به مثابه صحنه حفاظت از ساکنان این جوامع و مقاومت آن‌ها در برابر تنش بیرون‌ماندگی از جامعه شهری رسمی. – فضاهای شهری این سکونتگاه‌ها، به منزله بستر شکل‌گیری زندگی اجتماعی و حیات مدنی این جوامع همچنین، فضایی امن، متکثر، قابل انعطاف، حمایتگر، و چندعملکردی، علی‌رغم فقدان کیفیت و ویژگی‌های کالبدی فضای شهری مطلوب.



بنابراین سکونت کیفیتی است که انسان تنها از طریق ساختن به آن دست می‌یابد ولی نه هر ساختنی و نه هر حضوری^۶. برای او یک رابطه رضایتمندانه بین ساختن و سکنی گزیدن در ریشه‌شناسی کلمات وجود دارد و با روش ساخت، که شامل کاشتن و پرورش دادن است، منطبق می‌شود. بر همین اساس مفهوم سکونت شکل می‌گیرد. سکونت، از نظر هایدگر، فرایندی است که آدمی در جریان آن «مکان بودن» را تبدیل به خانه می‌کند. وی بیان می‌کند که سکنی گزیدن برای ایجاد آرامش

بین فرد و جهان صورت می‌پذیرد و با ساختن از طریق حضور عناصر چهارگانه آسمان، زمین، انسان، و خدایان شکل می‌گیرد؛ به محض اینکه ما هستی انسانی را در سکنی گزیدن منعکس می‌کنیم، خود را بر ما آشکار می‌کند، به علاوه سکنی گزیدن در احساس فناپذیری (میرانی) در زمین باقی می‌ماند^۷.

شولتز نیز معتقد است:

... اساساً خانه ما را به «درون» می‌آورد. بنابراین گوهر خانه در معماری، فضای داخلی است. در شهر ما هنوز در بیرون هستیم

جدول ۴. مروری بر پیشینه پژوهشی خارجی، با تأکید بر مفهوم و شیوه سکونت، تدوین: نگارندگان.

پژوهشگران (سال)	موضوع پژوهش	روش پژوهش	تأکیدات و اهداف پژوهش	یافته‌های پژوهش
UN-Habitat, <i>The Challenge of Slums - Global Report on Human Settlements</i> .	چالش زاغه‌ها	روش توصیفی-تحلیلی و تجویزی	- تأکید بر ویژگی‌های سکونتگاه‌های خودانگیخته و مهم‌ترین عوامل در عدم مقبولیت این سکونتگاه‌ها؛ چرا که این سکونتگاه‌ها یا بر روی زمین‌های ذخیره و اجاد کاربری غیرمسکونی ساخته شده‌اند و یا به زمین‌های غیرشهری تجاوز کرده‌اند. - بررسی ویژگی‌های مشترک سکونتگاه‌های خودانگیخته: مانند غیرقانونی و خودانگیخته بودن، فقدان سند حقوقی برای ساکنان برای اشغال زمین یا ساختمان، نداشتن حق مالکیت معتبر در این سکونتگاه‌ها و در نتیجه فقر و آسیب‌پذیری.	- خودیاری، بهسازی، و توانمندسازی به منزله راه برون‌رفت از این مشکل.
K. Owen & D. Wong, "An Approach to Differentiate Informal Settlements Using Spectral".	رویکردی برای تفکیک سکونتگاه‌های غیر رسمی	- روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از داده‌های کمی. - سنجش ۲۴ شاخص کالبدی.	- سنجش و ارزیابی شاخص‌های کالبدی مسکن از جمله وضعیت زیرساخت‌ها، فرم مسکن، وضعیت پوشش گیاهی، وضعیت آسفالت معابر، و غیره در گواتمالا.	- بازشناسی تفاوت‌های کالبدی مسکن در سکونتگاه‌های رسمی و خودانگیخته از جمله تکنیک و مصالح ساختمانی، گونه‌بندی بناها، شبکه ارتباطی و انتظام بافت شهری.
A. Saaghush, <i>From Flooding to Formalization: A Case Study of the Informal Settlement of Green Park</i> .	از جاری شدن تا رسمی شدن سکونتگاه‌های غیر رسمی	- سنجش گویه‌های مرتبط با مؤلفه‌های خودانگیختگی در سکونتگاه خودانگیخته گرین پارک واقع در امریکای جنوبی با استفاده از پرسش‌نامه	- تأکید بر عرضه خدمات مناسب و ایجاد امنیت حاکمیت در سکونتگاه‌های خودانگیخته. - تأکید بر ویژگی‌های سکونتگاه‌های خودانگیخته و مهم‌ترین عوامل در نبود مقبولیت این سکونتگاه‌ها. - بررسی علل ساخت سکونتگاه‌های خودانگیخته بر روی زمین‌های ذخیره و اجاد کاربری غیرمسکونی و یا تجاوز به زمین‌های غیرشهری	- شناسایی ویژگی‌های مشترک سکونتگاه‌های خودانگیخته: مانند غیرقانونی و خودانگیخته بودن آن‌ها، فقدان سند حقوقی برای ساکنان برای اشغال زمین یا ساختمان و نداشتن حق مالکیت معتبر. - اشاره به فقر و آسیب‌پذیری در زمره دیگر ویژگی‌های این سکونتگاه‌ها. - تأکید بر بعد اقتصادی متمایز از دیگر بافت‌ها در سکونتگاه‌های خودانگیخته. - دلیل این امر سرریز مهاجران از روستا به شهر برای یافتن شغل و حرفه است که، به دلیل نداشتن مهارت، از متن اصلی اقتصادی شهر گسسته شده‌اند.
UN-Habitat, <i>HABITAT in - INFORMAL SETTLEMENTS. Global Report on Human Settlements</i> .	سکونت در سکونتگاه‌های غیر رسمی	- توصیفی-تحلیلی و تجویزی	- بررسی وضعیت سکونتگاه‌های خودانگیخته از منظر حکومت، دولت، اجتماع، اقتصاد، و... - دلایل شکل‌گیری سکونتگاه خودانگیخته و ارزیابی این سکونتگاه‌ها از منظر توسعه پایدار.	- تأکید بر وضعیت مسکن ساکنان در سکونتگاه‌های خودانگیخته، سرمایه‌گذاری متداوم و فراگیر در این مناطق، تأکید بر مفهوم سکونت و نیروی پایدار میان جوامع در این سکونتگاه‌ها و اموری از این قبیل با عنوان راه حل‌های برون‌رفت از مشکل. - تلقی این سکونتگاه‌ها به مثابه مانعی جدی برای دستیابی به توسعه پایدار و پاسخ‌گو نبودن و حمایت نکردن دولت از وضعیت معیشت و سکونت در آن‌ها.

و کناره گرفته‌ایم. وقتی در خانه‌مان را به روی دیگران باز می‌کنیم، با اراده آزاد این کار را انجام می‌دهیم، ما عالم را به درون می‌خوانیم، به جای آنکه بیرون رفته و آن را ببینیم. از دیرباز «آرامش خانه» حق مسلم بشر بوده است.

از منظر شولتز نیز، تعلق خاطر و حس مثبت داشتن به مکان و انباشت تجربه‌ها و خاطرات مبتنی بر مکان نشانه‌هایی از هویت مکان است. مکانی که شخص پیوندی تعاملی با آن دارد و در شناخت وی از خود و نحوه معرفی خودش به دیگران نقش دارد. یکی از ویژگی‌های ضروری این‌همانی با فضا (هویت مکانی) استمرار ارتباط با فضا در زندگی فرد است.^{۱۸}

در نظر او، مسکن، به مثابه یکی از قدیمی‌ترین کاربردهای معماری، نشان‌دهنده هویت و فرهنگ است و از سوی دیگر فرهنگ افراد و جوامع در فرم مسکن‌ها تجلی می‌یابد. بنابراین مسکن فقط محیطی سرپوشیده برای حفاظت ساکنان از عوامل خطرزای محیطی نیست، بلکه فضایی است که در آن زندگی جاری است و باید سرشار از زندگی باشد.^{۱۹} خانه مکان بودن و مرکز عالم است؛ زیرا در گذشته انسان‌ها مکان اسکان خود را مرکز عالم می‌دانستند.^{۲۰} در مرکز بودن، به معنای واقعیتی بیرونی نیست، بلکه مفهومی انتزاعی است. خانه در مرکز ذهنی انسان قرار می‌گیرد؛ مرکزیت خانه عینیت درونی دارد. بر این اساس، خانه مکانی برای تبدیل زندگی بیرونی به کیفیتی درونی است و از این حیث، ماهیت وجودی خانه، صرف نظر از ساختار الگویی آن، درون‌گرا است. سکنی گزیدن درحقیقت پناه آوردن به خود و درک واقعی وجود و درون خود است و از این حیث مسکن پناه‌دهنده انسان شناخته می‌شود.^{۲۱} بنابراین، به درون خانه رفتن معادل به درون خویش پناه بردن می‌گردد. «هنگام پای نهادن به خانه به آسایش دست می‌یابیم»^{۲۲}.

بر همین اساس مفهوم سکونت مبتنی بر فرهنگ شکل می‌گیرد که نمایانگر هویت و فرهنگ، برخوردار از روح و جریان زندگی در آن، مرکز جهانی ذهنی و از این رو ابزاری برای

جهت‌یابی و عینیتی درونی، تبدیل‌کننده زندگی بیرونی به کیفیتی درونی است و در نتیجه اصالت وجودی خانه درون‌گرا است و در نهایت تجسم‌بخش مادی نگرش به جهان در خصوص زندگی بنا به فرهنگ‌های مختلف است و بر این اساس در فرهنگ‌های متفاوت به‌کندی تغییر می‌کند و نسبتاً ثابت است. خانه فضایی مرتبط است که آدمی به طور روزمره از آن تأثیر می‌گیرد و بر آن تأثیر می‌گذارد. اولین فضایی است که آدمی احساس تعلق فضایی را در آن تجربه می‌کند. حواس پنج‌گانه به طور دائم سرتاسر آن را طی می‌کنند و در مدت کوتاهی بدان خو می‌گیرند. خانه تنها مکانی است که اولین تجربه‌های بی‌واسطه با فضا، در انزوا، و جمع در آن صورت می‌گیرد و فرهنگ و شیوه زندگی به منصفه ظهور می‌رسند.^{۲۳}

کاربرد دقیق همراه با تعریف مفهوم فرهنگ با ادوارد بارنت تیلور در کتاب پژوهش‌هایی درباره تاریخ اولیه بشر و توسعه تمدن آغاز می‌شود. تیلور نخستین تعریف رسمی و صریح از فرهنگ را چنین بیان می‌کند: «...فرهنگ کلیت در هم تافته‌ای است شامل دانش، دین، هنر، قانون، اخلاقیات، و هرگونه توانایی و عادت‌هایی که آدمی همچون عضوی از جامعه به دست می‌آورد»^{۲۴}. این مفهوم شامل الگوهای خاص رفتار است که یک جامعه را از جامعه دیگر جدا می‌کند و مشتمل بر وسایلی است که انسان‌ها با آن‌ها هدف‌های فردی و اجتماعی خود را پیش می‌برند.^{۲۵} هر نظام فرهنگی- اجتماعی در یک زیستگاه طبیعی زندگی می‌کند، و بی‌گمان این محیط بر نظام فرهنگی اثر می‌گذارد و از آن تأثیر می‌پذیرد. از مهم‌ترین تأثیرات فرهنگ، اثرش بر مسکن و مفهوم سکونت است، تا جایی که راپاپورت مسکن را برای پاسخ‌گویی به مجموعه‌ای پیچیده از اهداف و با انگیزه ایجاد محیطی سازگار و منطبق بر روش زندگی انسان مهم می‌داند که علاوه بر تأمین نیازهای فردی، باید قادر به برآورده کردن نیازهای اجتماعی انسان نیز باشد.^{۲۶}

به اعتقاد شولتز خانه فراتر از مسکن و حاوی ارزش‌های

→
"GIS and Ordination Techniques for Evaluation of Environmental Impacts in Informal Settlements: A Case Study from Cuiaba, Central Brazil"; Ahmed Khalil, et al, "Improving Living Conditions in Informal Settlements, The Case of El-Arab, Hurghada"; M. Lombard, "Constructing Ordinary Places: Place-making in Urban Informal Settlements in Mexico", p. 5-17.

۷. راپاپورت، منشأ فرهنگی مجتمع‌های زیستی، ص ۱۳؛ نوربرگ-شولتز، مفهوم سکونت: به سوی معماری تمثیلی، ص ۲۸؛ G. Bachelard, *The Poetics of Space*, p. 75.

۸. نک: جانیس پرلمن، فاولا چهاردهه زندگی بیمناک در سکونتگاه‌های ریودوژانیرو، ص ۷۴-۱۴۳.

۹. ویلیام لارنس نیومن، روش‌های پژوهش اجتماعی: رویکرد کمی و کیفی، ص ۷۸.

۱۰. عباس بازارگان، مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته: رویکردهای متداول در علوم رفتاری، ص ۶۴.

۱۱. راپاپورت، معنی محیط ساخته‌شده: رویکردی در ارتباط غیرکلامی، ص ۱۷.

۱۲. همو، «فرهنگ و نظم شهری» ص ۴.

۱۳. همو، *انسان‌شناسی مسکن*، ص ۵۷. 14. M. Heidegger, *Poetry, Language, Thought*, p.156.

15. Ibid.



تکیه‌گاهی آشنا به پشتیبانی ما می‌نشیند. بنابراین به زعم وی «خانه زادگاهی است که سلسله‌مراتب کارکردهای مختلف سکونت‌کردن یا زندگی‌کردن در یک خانه را برای همیشه در لوح وجود ما حک می‌کند». وی می‌افزاید: «آدمی پیش از افکنده شدن به جهان، در گهوارهٔ خانه نهاده شده است» و یا در جایی دیگر می‌گوید: «هر فضایی که بتوان در آن به‌واقع مسکن‌گزید، مفهوم خانه را از آن خود می‌کند. خانه تنها پناه‌دهندهٔ روزها و شب‌های حاضر ما نیست. در حفاظ آن صندوقچهٔ گذشته خود را نیز از خیال خاطرمان بارها باز و بسته می‌کنیم».^{۳۱}

در نتیجه، مسکن در پاسخ به سطحی‌ترین و ابتدایی‌ترین سطح از هرم نیازهای انسان مطرح می‌شود. این همان هرمی است که مازلو، در چارچوب آن، رسیدن به درجات زیبایی‌شناسی و خودشکوفایی فرد را در ورای گذر از نیازهای اولیه برمی‌شمارد. در واقع سکونتگاه و مسکن ظرف و پوسته‌ای برای خانه است. جوهرهٔ خانه مبتنی بر چارچوب سکونت ساکنان آن است. خانه بیانی از شخصیت و خانواده و الگوهای بسیار خاص آن‌ها در زندگی است. این همان کیفیت یکتایی است که آن را «روح مکان» می‌خوانند و یا از آن با عبارت «اتم‌سفر فضا و مکان» یاد می‌کنند و هرگاه این کیفیت در طراحی مسکن تحقق یابد، می‌توان به بازشناسی سرشت حقیقی مفهوم سکونت نایل آمد.

بر این اساس، شیوهٔ سکونت عبارت فشرده‌ای است که همهٔ رفتارهای آدمی را شامل می‌شود. هریک از این رفتارها انعکاس ملموس یا غیر ملموس در شکل‌دهی فضای پیرامون دارد. خانه، محله، و شهر محصول فضایی شیوهٔ زندگی فرد، خانواده، و جامعه است. سازمان فضایی خانه و جزء‌فضاها مکان بروز رفتارها و تحقق شیوهٔ زندگی انسان، خانواده، و رفتارها هستند.^{۳۲}

۳.۲. اسکان خودانگیخته

با توجه به اهمیت مسکن که پیش‌تر به آن پرداخته شد و برای پاسخ به این نیاز اساسی، مهاجرانی که به منظور یافتن شغل و

فرهنگی و منضم به شیوه‌های زندگی است^{۳۷}؛ بر این اساس تجلی مفهوم سکونت در خانه نمود می‌یابد. بنابراین، خانه را جدای از نقش سرپناهی‌اش، که تا مدت‌ها با آن درک می‌شد، امروز به منزلهٔ بخشی از هویت در نظر می‌آید که ساکنان آن با امر مکان ارزش‌ها و سلايق مشترک دارند.^{۳۸}

بسیاری از اندیشمندان بخصوص در اواخر قرن بیستم به اندیشه‌های هایدگر رجوع کرده‌اند. از جمله، یوهانی پالاسما در اثر خود با عنوان *چشمان پوست: معماری و حواس* بیان می‌کند: «در جهانی که تکنولوژی‌ها به این سرعت عمل می‌کنند و بینش تنها روش درک انسانی است، معماری باید سایر حس‌ها را طوری فعال کند که به صورت عامل تعادل هستی انسانی وارد عمل شوند»^{۳۹}. به زعم وی، تمرکز بر سراحی سکونتگاه‌ها، به مثابهٔ نموده‌های فضا، ساختار، و نظم، توانایی لمس جنبه‌های عاطفی‌تر و گوناگون خانه را از بین برده است. با این حال، این ظرفیت سکونت است که امکان اقامت در جهان را فراهم می‌آورد. خانه مفهومی از معماری نیست، بلکه روان‌شناسی، روان‌کاوی، و جامعه‌شناسی است که در آن تجلی دارد. خانه سکونتگاهی فردی شده است و به نظر می‌رسد که معنای این شخصی‌سازی ظریف، ورای تصور ما از معماری است. سکونتگاه و مسکن ظرف و پوسته‌ای برای خانه است. جوهرهٔ خانه مبتنی بر چارچوب سکونت ساکنان آن است. خانه بیانی از شخصیت و خانواده و الگوهای بسیار خاص آن‌ها در زندگی است. در نتیجه، سرشت خانه به خود زندگی نزدیک‌تر است تا به مصنوع ساخته‌ها. در واقع بُعد معمارانهٔ خانه و بُعد شخصی و خصوصی زندگی، در زمانهٔ بیش از حد تخصصی‌شدهٔ ما، تنها در مواردی خاص در هم آمیخته شده‌اند.^{۴۰}

گاستون باشلار در اثر تأثیرگذار خود با عنوان *بوطیقای فضا* بیان می‌کند: «خانه مکانی است که وقوع زندگی روزمره را در خود گرفته است». زندگی روزمره معرف چیزی است که تداوم خود را در هستی ما حفظ می‌کند و از این رو، همچون

۱۶. ادم شار، همان، ص ۳۴.
17. Ibid. p. 195.

۱۸. نوربرگ- شولتز، همان.

۱۹. همو، معماری: حضور، زبان و مکان، ص ۱۶۹.

۲۰. همو، گزینهای از معماری: معنا و مکان، ص ۴۸.

۲۱. همو، معماری: حضور، زبان و مکان، ص ۴۵.

۲۲. همان، ص ۱۴۴.

۲۳. محمدرضا حائری مازندرانی، همان، ص ۴۸.

۲۴. داریوش آشوری، تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ، ص ۳۹.

۲۵. همان، ص ۵۳.

۲۶. شهرام پوردیپیمی، «فرهنگ و مسکن»، ص ۱۴.

۲۷. نوربرگ- شولتز، گزینهای از معماری: معنا و مکان، ص ۵۱.

28. G. Smith & J. Craft, *Our House: The Representation of Domestic Space in Modern Culture*, p. 13.

29. J. Pallasma, *The eyes of the skin: Architecture and the Senses*. p. 56.

30. Idem, "Space, Place and Atmosphere: Peripheral Perception in Existential Experience", p. 56.

31. G. Bachelard, *ibid*.

۳۲. حائری مازندرانی، همان، ص ۳۰.

می‌شوند و این امر ناشی از نیاز شدید به مسکن توسط گروه‌های کم‌درآمد است.^{۳۵}

می‌توان سیاره زاعه‌ها اثر مایک دیویس^{۳۶} را یکی از اثرگذارترین نوشته‌های دوره متأخر در باب زاعه‌نشینی بدانیم. دیویس در این کتاب از اصطلاح شهری شدن افراطی برای توصیف فرایند شهری شدن استفاده می‌کند و آن را واجد نوعی شهری شدن بدون رشد می‌داند که مؤید همین موضوع است. پیران نیز طی مطالعه‌ای، بر روی ۲۵ منطقه خوش‌نشین، نشان می‌دهد که این مناطق از چند خانوار تا چندصد خانوار

حرفه به شهرها هجوم آورده‌اند، در مناطقی ساکن می‌شوند که از نظر حق مالکیت، شرایط زندگی، تراکم، ترکیب خانواده، سطح امنیت، و پیشرفت و میزان تغییر دارای شرایط متنوعی هستند.^{۳۳} برخی از ایشان به اجبار و در جست‌وجوی سرپناه در مناطقی ساکن گشته‌اند که بدون برنامه ایجاد شده‌اند و حتی موقعیت مکانی آن‌ها در نقشه مشخص نیست،^{۳۴} غالباً این نوع اسکان را خودانگیخته می‌گویند. اسکان خودانگیخته یا خودجوش شکل رایج رشد شهری در اکثر کشورهای در حال توسعه است که بیشتر مناطق به صورت خودانگیخته و بدون برنامه‌ریزی اشغال

ت ۱. طرحواره مفهوم سکونت و خانه از دیدگاه صاحب‌نظران، تدوین: نگارندگان.

طرحواره مفهوم سکونت و خانه



تشکیل می‌شوند. بعضی از این خانه‌ها از قطعات چوب، فلز، و پلاستیک ساخته شده‌اند، اتاق‌های بسیار کمی دارند و از مشکلات بهداشتی، فقدان نور طبیعی، برق، آب و سیستم دفع زباله رنج می‌برند. جمعیت ساکن در این مناطق اغلب مهاجرین روستایی هستند و با مناطق مسکونی پیرامون خود رابطه‌ای دشوار دارند. علی‌رغم داشتن امنیت درونی، از بیرون نفوذناپذیر و البته ناامن تلقی می‌گردند. بسیاری از آن‌ها به مشاغل غیر رسمی و دستفروشی اشتغال دارند که آن‌ها را آسیب‌پذیر کرده است. ایشان به قصد کسب درآمد بیشتر و تنها با مهارت کشاورزی، به شهرها مهاجرت می‌کنند، به امید سکونت در کنار برخی از خویشاوندان خود که پیش‌تر آمده‌اند. همچنین غالب ساکنان با رجوع کمتر به روستاهای مبدأ، به دلیل فقدان جذابیت در آن‌ها، همسر، فرزندان و همسایگان خود را مهم‌ترین خویشاوندان خود خطاب می‌کنند.^{۳۷} ساکنان این سکونتگاه‌ها عموماً شیوه سکونت مبتنی بر فرهنگ روستایی دارند، بدین ترتیب که ابتدا چند نفر با عنوان نیروی کار از روستا به شهر مهاجرت می‌کنند و به دلیل پایین بودن قیمت زمین در مناطقی که، به لحاظ کیفیت خدمات و تأسیسات، وضعیت نامساعدی دارند، سرپناهی را ایجاد می‌کنند و نطفه اولیه سکونتگاه‌های خودانگیخته شکل می‌گیرد. در مرحله بعد خانواده این افراد از روستا به شهر مهاجرت می‌کنند و در این سکونتگاه‌ها ساکن می‌شوند و نهایتاً سالمندان می‌آیند و سکونتگاه‌های مذکور شکل می‌گیرند.^{۳۸} بر همین اساس است که شیوه سکونت و فرهنگ زیستی ساکنان سکونتگاه‌های خودانگیخته با شیوه سکونت در سایر سکونتگاه‌ها متفاوت است. همین امر سبب می‌شود که نحوه استفاده از فضا به گونه‌ای دیگر شکل گیرد؛ چرا که در سکونتگاه‌های خودانگیخته، به دلیل محدودیت‌های متعدد، همچون ویژگی‌های کالبدی خانه، مانند مساحت کم و همچنین آسیب‌پذیری در برابر نیروهای بیرونی، مفهوم سکونت از ویژگی درونی بودن خود را ندارد و به فضای نیمه‌عمومی- نیمه خصوصی نیز تسری یافته است.^{۳۹}

از مهم‌ترین معضلات سکونتگاه‌های خودانگیخته فقدان امنیت تصرف در آن‌ها است که سکونت را همواره با فرازونشیب روبه‌رو و در نتیجه تمهیدات سازمند ساکنان را ضروری می‌کند. به‌واقع، در این سکونتگاه‌ها طی یک فرایند کلی ابتدا زمین اشغال می‌شود و در مراحل بعدی در زمین مذکور مسکن‌های موقتی و یا دائمی با زیرساخت‌های بی‌دوام ساخته و در مرحله آخر مسئله امنیت تصرف مطرح می‌شود و بنا به گفته سازمان اسکان بشر سازمان ملل متحد، این عامل چونان چرخه فلاکت عمل می‌کند و پایه‌ای برای سایر محرومیت‌های خانوار می‌شود.^{۴۰} در این زمینه، یکی از تأثیرگذارترین پژوهش‌ها کار تحقیقاتی هرناندو دسوتو در شهر لیما پایتخت کشور پرو است. بر اساس یافته‌های دسوتو در کتاب *راز سرمایه*، نظام مالکیت غیر رسمی، که او آن را مالکیت خارج از قانون می‌نامد، عامل تبدیل دارایی‌هایی چون مسکن بدون سند به سرمایه مرده و بیکار است. وی رسمی کردن مالکیت‌ها و دارایی‌های غیر رسمی را راز اصلی سرمایه‌گذاری بیان می‌کند^{۴۱}؛ گرچه نیورث با پذیرش آرای دسوتو اعتقاد دارد که یکی از دلایل دوام سکونتگاه‌های خودانگیخته غیر قانونی بودن آن‌ها و فرارهای مالیاتی و کاری است.^{۴۲} درحقیقت، سکونتگاه‌های خودانگیخته محصول توزیع ناعادلانه قدرت، ثروت، و خدمات در سطوح ملی و منطقه‌ای هستند. این امر در کشورهای جهان سوم وضعیت حادثی نسبت به کشورهای پیشرفته ایجاد و نتیجتاً این سکونتگاه‌ها در ایجاد مسکن، اشتغال، آموزش، و بهداشت وضعیت ناگواری را بر شهر اصلی تحمیل کرده است.^{۴۳}

یکی از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان، در دیدگاه اقتصاد سیاسی، دیوید هاروی است که به دنبال علل پیدایش و شکل‌گیری سکونتگاه‌های خودانگیخته، مفهومی تحت عنوان نیروهای شکل‌دهنده این سکونتگاه‌ها را معرفی می‌کند.^{۴۴} به زعم دیوید هاروی، افراد وارد شده به شهرها تحت تأثیر نیروهای ماکرو یعنی اقتصاد و سیاست، از جمله ظرفیت و توان

33. Huchzermeyer, *ibid.*

34. Ruther, et al, *ibid.*

۳۵. نک:

Zeilhofer & Topanotti, *ibid.*

36. Davis, *ibid.*

۳۷. مدنی‌پور، همان.

۳۸. بیات، همان، ص ۳۴.

۳۹. نک: حبیبی و گرامی، همان.

۴۰. نک:

UN-Habitat, *The Challenge of Slums - Global Report on Human Settlements.*

۴۱. نک:

De Soto, *ibid.*

42. Neuwirth, *ibid.*

۴۳. نک:

Gilbert, *ibid.*

۴۴. هاروی و مری فیلد، همان،

ص ۷۶.

مالی برای خرید مسکن قرار می‌گیرند و وضعیت مسکن آن‌ها متناسب با این نیروها شکل داده می‌شود؛ از آنجا که عموماً کلان‌شهرها و شهرهای بزرگ مکان تجمع مشاغل و درنهایت سرمایه هستند (که از آن‌ها با عنوان نیروهای کلان یاد می‌شود)، برای افراد در پی شغل جذابیت بسیاری دارند. بر این اساس، از مهم‌ترین مشکلات پیش روی شهرها خیل مردمی است که به سمت آن‌ها هجوم می‌آورند، بدون آنکه توان تهیه مسکن مناسب و باکیفیت را داشته باشند. همین امر سبب می‌شود که در پاسخ به مسئله تأمین مسکن، به منزله اصلی‌ترین نیاز مادی، سکونتگاه‌های خودانگیزته را برپا کنند و به‌اجبار در آن‌ها ساکن شوند. در واقع سکونتگاه‌های خودانگیزته در جوامعی که برای تأمین این نیاز راه حلی اندیشیده نشده باشد، پاسخ مردم به نیاز مسکن است.^{۴۵}

سکونتگاه‌های خودانگیزته تحت تأثیر نیروهای بیرونی، مانند مکانیزم نابرابری‌ساز حاصل از بازار، نابرابری‌های منطقه‌ای، رویکرد تبعیض‌آمیز نظام‌های مدیریتی و برنامه‌ریزی‌ای که در آن صرفاً محلات پررونق نیروی محرکه توسعه شهری تلقی می‌شوند، سیاست‌های غیر واقع‌بینانه اتخاذشده در راستای توسعه شهری و منطقه‌ای، و نهایتاً نیروهای سیاسی و اقتصادی حاکم بر آن شکل گرفته‌اند. این در حالی است که علاوه بر نیروهای بیرونی، نیروهای درونی، یا نیروهای میکرو نیز، مانند شیوه زیست، مفهوم سکونت را شکل می‌دهند. پس از شکل‌گیری این سکونتگاه‌ها، افراد ساکن متناسب با نیازهای خود شروع به تغییر در شکل فضا و یا نحوه استفاده از فضا می‌کنند، به گونه‌ای که، با توجه به محدودیت‌های این سکونتگاه‌ها، برخی فعالیت‌ها به فضای غیر از خانه تسری یابد و درواقع شیوه سکونت متناسب با نیازهای افراد شکل داده شود.^{۴۶} به‌طور مثال در پژوهشی به این نتیجه رسیده‌اند که ساکنان برخی فعالیت‌های ضروری خود از قبیل انجام تکالیف درسی، امور مربوط به خانه و یا مشاغل خانگی، و همچنین آشپزی را در فضاهای شهری انجام

۴۵. پرویز پیران، «آلونک‌نشینی در ایران»، ص ۹۶.
 ۴۶. نک: حبیبی و گرامی، همان.
 ۴۷. نک: همان.

48. Bayat, ibid.

49. Roy & AlSayyad, ibid.

می‌دهند.^{۴۷} انجام این نوع فعالیت‌های ضروری در بیرون از منزل و در سطح محله، از یک سو، نشان از محدودیت‌های داخل منزل و از دیگر سو، مرتبط با فرهنگ روستایی ساکنان، روابط همسایگی و قومی، میل بالای تعاملات اجتماعی، و سامانه‌های حمایتگر اجتماعی است که سبب می‌شود تا افراد امور روزانه را نیز با همکاری و کمک یکدیگر انجام دهند و در عرصه روشن عمومی از همراهی و خرد جمعی برخوردار شوند و این خود به نوعی موجب تلفیق این فعالیت‌ها با الگوی گذران اوقات فراغت و فعالیت‌های انتخابی نیز تلفیق می‌گردد؛ موضوعی که به‌ویژه در تبادل تجارب و حضور زنان در مدیریت امور خانواده و مراقبت نقشی مثبت و قابل توجهی دارد و درعین حال، با نظارت اجتماعی و حضور چشمان خیابان، امنیت فضاهای اجتماعی نیز تأمین می‌گردد.

افزون بر آنچه بیان شد، به اعتقاد آصف بیات، با اینکه چنین جمعیتی به طور کامل در جامعه ادغام شده‌اند؛ لیکن اغلب ایشان از لحاظ اقتصادی استثمار، به‌شدت سرکوب، از نظر اجتماعی منزوی، و از لحاظ فرهنگی حذف شده‌اند.^{۴۸} نزار الصیاد این‌ها را جمعیتی دانسته که در خیابان‌ها، پیاده‌روها، و کوچه‌های پشتی در کشورهای در حال توسعه دیده می‌شوند: خرده‌فروشان، فروشندگان خیابانی، حمال و باربر، صنعتگران کوچک، پستی‌ها، آرایشگران، پسران واکسی، و خدمتکاران شخصی. وی بخش غیر رسمی را کوچک‌مقیاس، سهل‌الورد و یک راه برای انجام کارها می‌داند. از سوی دیگر، وی غیر رسمی بودن را مبتنی بر «وضعیت کار» نامیده است (اعلام‌نشده و غیر قانونی، فاقد مزایا، دریافت کمتر از حداقل دستمزد، و غیره)، یک «وضعیت از کار» (خطرناک و بدون حفاظت)، و «یک نوع از مدیریت برخی از شرکت‌ها» (شامل راه‌هایی مانند تقلب مالی و پرداخت‌های غیر قانونی).^{۴۹}

درواقع خودانگیزته بودن یک استراتژی اقتصادی عقلانی و یک «استراتژی بقا» و «یک دریاچه ایمنی برای تنش جامعه»

بقا است، بلکه هدف آن فعالیت‌هایی است که سطح زندگی را در مقیاس‌های فردی و جمعی بهبود می‌بخشد.^{۵۳} این موضوع یادآور انگاره «قدرتمندی» جان فریدمن است که نشانگر گرایش به ایجاد فرصت است. این مفهوم خودسازمان‌دهی توده‌های مردمی طبقه پایین برای بقای جمعی از رهگذر نهاد خانوار است که عنصر ضروری برای گذران اوقات، قاعده اقتصاد اخلاقی (اعتماد، تعامل، و داوطلبی)، و بهره بردن از «قدرت اجتماعی» (اوقات فراغت، مهارت‌های اجتماعی، شبکه‌سازی، انجمن‌ها، و ابزارهای تولید) را توصیف می‌کند.^{۵۴}

در این جوامع خانواده و پیوندهای خویشاوندی اساساً نیرومند باقی مانده است و به‌ویژه به صورت شبکه‌ای حمایتی عمل می‌کند و به مهاجران امکان می‌دهد از عهده دشواری‌های مهاجرت، بیکاری، و گذار از مراحل گوناگون زندگی برآیند. در جایی که خانواده در یک فعالیت جمعی نظیر مشاغل خانوادگی مشارکت دارد، فرصت‌های حمایتی مختلف را به‌ویژه در اختیار جوانان قرار می‌دهد.^{۵۵}

با بیان آرای روی و الصیاد، اسکان غیر رسمی را باید به‌گونه‌ای دیگر و در چارچوب یک جامعه‌شناسی شهری جدید صورت‌بندی کرد. در خودانگیختگی شکلی از کردارها و سازمان اجتماعی تعریف می‌شود که با زیست خودانگیخته افراد گره خورده است. از این رو، مناسبات اجتماعی، پیوندهای رسمی و خودانگیخته، سازوکارهای اقتصادی، و تاکتیک‌های گروهی فرودستان نمودی از اتفاق نظر برای بقا و ارتقای کیفیت زندگی است. این نگاه بیش از آنکه خودانگیختگی را به شکل قلمرویی بنگرد، آن را در چارچوب ساختارهای اجتماعی می‌انگارد که مجموعه‌ای از عادات گروهی زیست خودانگیخته را از بدو حضور در این فضاها شکل می‌دهد. این عادات شیوه‌هایی پراگماتیستی و انعطاف‌پذیر از برآوردن نیازها هستند.^{۵۶} این همان تاکتیک‌هایی است که در کارهای آصف بیات به شکل از آن خود کردن خیابان ذیل اصطلاحات «سیاست‌های

است که این موضوع با «ابتکار و روحیه کارآفرینی» فقرا به انجام رسیده است و فعالیت غیر رسمی وسیله‌ای برای شکستن موانع قانونی به‌شمار می‌رود. کارآفرین خودانگیخته یک قهرمان اقتصادی است که توانسته با وجود اقدامات کنترل‌کننده حکومت زنده بماند و شکوفا شود؛^{۵۷} یعنی خروج از همه کانال‌های رسمی و تلاش برای رسیدن به نامرئی بودن سیاسی بهترین استراتژی برای تقسیم غیر مجاز زمین‌های کشاورزی و تبدیل آن به مسکن شهری خودانگیخته است. آصف بیات نیز از این موضوع حمایت می‌کند. او استدلال کرده است که افراد خودانگیخته خاورمیانه «سیاستی از معترضین نیستند، بلکه خسارت دیده‌اند». به همین ترتیب، دو هدف اصلی دارند: «توزیع مجدد کالاها و فرصت‌های اجتماعی و دستیابی به استقلال فرهنگی و سیاسی»^{۵۸}. در سکونتگاه‌های خودانگیخته، به دلیل وجود موانع و محدودیت‌های بسیار، مفهوم سکونت به شیوه‌ای متفاوت نمود می‌یابد و مطرح می‌شود و با توجه به وضعیت فرهنگی ساکنان، در این سکونتگاه‌ها متجلی می‌گردد.

ساکنان این سکونتگاه‌ها افرادی هستند که برای بقا می‌جنگند و گرچه به‌ظاهر بی‌قدرت می‌نمایند، لیکن نمی‌نشینند تا کسی سرنوشت حیاتشان را رقم بزند؛ بلکه در تضمین بقای خویش فعال هستند. به طوری که توسل به مکانیسم‌های تطابق در زندگی واقعی در میان آن‌ها کاملاً رایج است و تلاش می‌کنند تا از هر فرصتی برای مقاوت و پیشرفت در زندگی خویش بهره ببرند. بسیاری از ساکنان مذکور، بر مبنای فرهنگ جاری در مکان زندگی خود، فرصت پیشرفت را نیز ایجاد و سیاست مخالفت و مقاومت را سازمان‌دهی می‌کنند و در آن درگیر می‌شوند.^{۵۹} الگوهای اقدامات خودانگیخته‌ها یا «قدرت جمعی» ایشان مدلی از «پیشروی‌های آرام» و «راهکارهای خلاقانه فردی و جمعی»، که سازمان‌نیافته، موقتی، فردی، و یا جمعی در دستیابی به زمین، مسکن، خدمات، و امکانات است، را نشان می‌دهد و «پیشروی آرام عادی» نه‌تنها تلاش برای

50. De Soto, *The Other Path: The Invisible Revolution in the Third World*, p. 243.

51. Bayat, *ibid*, p. 548.

۵۲. بیات، همان، ص ۴۱.

۵۳. ویکتوریا بیرد و دیگران، برنامه‌ریزی و تمرکززدایی: فضاهای متعارض برای اقدام جمعی در جهان جنوب، ص ۴۷.

54. J. Friedmann, *Empowerment: The Politics of Alternative Development*, p.103.

۵۵. مدنی‌پور، همان، ص ۱۵۱.

56. Roy & AlSayyad, *ibid*, p. 7.

خیابانی» و «خیزش آرام» دیده می‌شود^{۵۷} و بر کنش‌های افرادی که، در شهری به دور از منابع اولیه زندگی شهری، سعی در برآوردن مایحتاج زندگی خود دارند، دلالت می‌کند. این کنش‌ها مجموعه‌ای از رفتارها را، از قاچاق کالا و محصولات گرفته تا مناسبات خودانگیخته قومی-قبیله‌ای، که در جامعه بحران‌زده خود عیان می‌شود، در بر می‌گیرد. به تعبیر سیمون^{۵۸} ویژگی زیست خودانگیخته شامل پیوندهای انعطاف‌پذیر، سیال، و معطوف به تأمین نیازهای ساکنانی است که، بدون داشتن تصویری روشن و آشکار از اینکه باید چگونه و بر طبق چه اصولی در شهر عمر خود را بگذرانند، زندگی می‌کنند. این پیوندها در واقع نقش زیرساخت‌های شهری را دارند و برای تأمین و بازتولید زندگی ضروری هستند. بدین ترتیب زیست خودانگیخته، به منزله شیوه‌ای از زندگی، واکنش‌های فرودستان شهری و اقدامات کالبدی-فضایی ایشان را به وضعیتی همراه با فقدان منابع و زیرساخت‌های زندگی شهری بروز می‌دهد. از این زاویه زیست خودانگیخته شیوه بی‌بدیلی است برای نظم شهر؛ روشی متفاوت برای سامان دادن به فضا و احقاق حق شهروندی^{۵۹}. در چنین زیستی شهروندان رانده‌شده به حاشیه شهر فرهنگ مذاکره و چانه‌زنی برای دستیابی به ملزومات زندگی، از جمله حق دسترسی به زمین، تأسیسات زیربنایی و خدمات، را از ابتدا می‌آموزند. سولومون بنجامین^{۶۰} نیز با وضع مفهوم «شهرگرایی اشغال‌کننده» اشاره به همین سازوکارهای فرودستان در مهیا کردن زیرساخت‌های زندگی شهری از خلال «اندیشه‌ورزی جمعی» و «آشکارسازی مناسبات درون‌گروهی» دارد.

فرودستان در فعالیت‌های بی‌واسطه هرروزه برای سهم داشتن در خدمات شهری یا «مصرف جمعی» مبارزه می‌کنند و در محل اقامت و اجتماع با یکدیگر شریک هستند. بنابراین فضای مشترک و نیازهای مرتبط با دارایی مشترک به این توده‌ها امکان «همبستگی فضایی» می‌دهد و نوعی از انجمن‌های

مرتبط با روابط همسایگی، همشهری بودن، و پیوندهای قومی یا نظام اعتباری سنتی را در میان ایشان پدید می‌آورد؛ مفهومی از شیوه سکونت که با توجه به وضعیت فرهنگی ساکنان متجلی می‌شود و در چارچوب عادات زیست‌گروهی در تراز یک خانواده بزرگ و نیز محدودیت‌های فضایی، برخی از فعالیت‌های مسکونی درونی به خارج از محیط خانه تسری می‌یابد، یا به بیان دیگر فعالیت‌های خصوصی در فضای عمومی رخ می‌نماید^{۶۱}. فضاهای بیرونی منتشرکننده بخشی از زندگی درونی هستند که امکان تحقق داخلی نداشته‌اند و فضایی دیگر را به منصه ظهور درآورده‌اند که «در میان و آستانه‌ای» است؛ زیرا که خارج از آن ناامن و در درون کاملاً آشنا و صمیمی می‌نماید تا آسیب‌پذیری‌های موجود اقتصادی و سیاسی را از خلال پیوندهای گروهی تقلیل دهد؛ عرصه‌ای جدید که نمودش با مفهوم «آشکارسازی مناسبات درون‌گروهی» و زیست خانوادگی قرابت دارد و بستر تجلی می‌یابد. در واقع، منافع مشترک و روابط رودررو و روشن سبب ایجاد «خانواده‌ای بزرگ»^{۶۲} می‌گردد که پیوستگی‌های اجتماعی قدرتمندی نیز با خود به همراه دارد^{۶۳}. همچنین، از آنجا که انسانیت به طور اندام‌وار تحول یافته است، ساکنان که زیر فشار آزار و تعقیب هستند، چنان به هم نزدیک می‌شوند که آن میان-فضایی که جهان می‌نامیم، پاک از بین می‌رود. این وضعیت چنان صمیمیتی در روابط انسانی ایجاد می‌کند که می‌تواند کسانی را که تجربه برخورد با چنین گروه‌هایی را داشته‌اند شگفت‌زده کند. اگر این صمیمیت کاملاً به فعلیت برسد، می‌تواند چنان مهربانی و خوبی نابی ایجاد کند که آدمیان در شرایط دیگری قادر به ایجاد آن نیستند. این صمیمیت به طور مستمر سرچشمه نیروی زندگی نیز هست، شاد بودن از واقعیت ساده زنده بودن. حتی چنین به نظر می‌رسد که زندگی تنها در میان کسانی که به معنای زمینی کلمه تحقیر شده و زخم خورده‌اند، به‌نهایت فعلیت خود می‌رسد. همچنین غنا و جذابیت چنین فضایی تا اندازه‌ای به دلیل این واقعیت است

۵۷. نک:

Bayat, "Radical Religion and the Habitus of the Dispossessed: Does Islamic Militancy Have an Urban Ecology?":

۵۸. نک:

Simone, ibid.
59. Roy, ibid.

۶۰. نک:

Benjamin, ibid.

۶۱. حیبی و گرامی، همان، ص ۱۷۰.

62. Coolen & Ozaki, ibid, p. 12.

63. Roy & AlSyyad, ibid, p. 38.

شرایط ضروری برای بقا و استانداردهای قابل قبول برای زندگی از رهگذر زیست متفاوت.

۳.۳. چارچوب نظری مفاهیم مرتبط با سکونت

در دستیابی به چارچوب نظری پژوهش، با بهره‌گیری از آرای صاحب‌نظرانی چون راباپورت، هایدگر، شولتز، پالاسما، باشلار، و دیگر پژوهشگران داخلی و خارجی، میزان اهمیت مفهوم سکونت، با تأکید بر فرهنگ، با روش تحلیل محتوا، واکاوی و بررسی شده است که بر مبنای آن می‌توان مهم‌ترین ویژگی‌ها و مؤلفه‌های مفهوم سکونت را به شرح نمودار عنکبوتی «ت ۲» استخراج و تعداد دفعات تکرار آن‌ها را نیز اولویت‌بندی کرد.

بر اساس این نمودار مهم‌ترین مؤلفه‌های مفهوم سکونت وجود ارتباطات و تعاملات اجتماعی، حس مکان، هویت شخصی، خلوت و پناهگاه، متعلق بودن، و محمل سنت‌ها و روش‌های زندگی انسان است.

۴۴ هانا آرنت، انسان‌ها در عصر ظلمت، ص ۵۹.
۴۵ آصف بیات، سیاست‌های خیابانی، ص ۴۷.
۴۶ آصف بیات، زندگی همچون سیاست، ص ۲۱-۲۲.

ت ۲. نمودار مؤلفه‌های مفهوم سکونت بر مبنای آراء نظریه‌پردازان و پژوهشگران بر مبنای تعداد دفعات تکرار، پژوهش و تدوین: نگارندگان.



که رانده‌شدگان جهان امتیازی عظیم دارند؛ آن‌ها فارغ از وظیفه پرداختن به جهان هستند^{۴۴}.

در این سکونتگاه‌ها، فضاهای بیرونی (کوچه پس‌کوچه‌ها، پارک‌های عمومی، میدین، و خیابان‌های اصلی) در حکم دارایی‌های ضروری برای ادامه زندگی و بازتولید فرهنگی بخش وسیعی از جمعیت شهری محسوب می‌شوند، که تلاش می‌کنند هویت خویش را بسازند و همبستگی‌هایشان را گسترش دهند. این همان «پیشروی آرام مردم عادی»^{۴۵} است که دربرگیرنده روش‌های محتاطانه و طولانی‌مدتی است که فقرا از رهگذر آن‌ها برای بقا می‌جنگند و زندگی خود را در برخورد با جامعه بهبود می‌بخشند و در تلاشی جامع آن را ارتقا می‌دهند؛ بدون آنکه این تلاش‌ها تابع رهبری متمرکز، ایدئولوژی، یا سازمان زیربنایی چندانی باشد. به تفصیل می‌توان این‌گونه بیان کرد که جنبش‌های توده‌ای مهاجران روستایی، در جست‌وجوی زندگی بهتر، کارزاری آرام و سرسخت را در پیش می‌گیرند که شامل تصرف بطئی غیر قانونی زمین‌ها و خانه‌ها و به دنبال آن امکانات شهری همچون برق، آب، خطوط تلفن، جاده، و نظایر آن است و برای تأمین معاش غالباً به اشتغال کاذب روی می‌آورند. به طور مثال، ایشان پیاده‌روهای خیابان‌ها و دیگر فضاهای شهری مطلوب را اشغال و بساط خود را پهن می‌کنند و با زیر پا گذاشتن و تصرف برندهای مردم‌پسند، کسب‌وکار خود را رونق می‌دهند. سکونت در محلات فقیرنشین، اشتغال فصلی، پرداخت‌های زیرمیزی، و دستفروشی از دیگر ویژگی‌های این گروه است^{۴۶}.

به نظر می‌رسد گروه‌های مذکور دو هدف اصلی را دنبال می‌کنند:

- بازتولید خدمات اجتماعی و فرصت‌ها در شکل مداخله در مصرف جمعی (غیر قانونی و مستقیم) زمین، آب لوله‌کشی، برق، جاده، فضای عمومی (پیاده‌روهای خیابان‌ها، چهارراه‌ها، و پارکینگ‌های خیابان)،
- فرصت‌ها (شرایط کاری مطلوب، فضاها، و امتیازات) و دیگر

۴.۳. چارچوب نظری در تبیین مفاهیم مرتبط با سکونتگاه‌های خودانگیخته

در گام بعد و پس از واکاوی مفهوم سکونت، به ویژگی‌های سکونتگاه‌های خودانگیخته مبتنی بر آرای صاحب‌نظران و پژوهشگران پرداخته می‌شود تا بتوان مهم‌ترین ویژگی‌های سکونتگاه‌های را استخراج و بر اساس تعداد دفعات تکرار اولویت‌بندی کرد (ت ۳ و ۴).

۴.۴. تجارب پژوهشی مرتبط با سکونتگاه‌های خودانگیخته با تأکید بر مفهوم سکونت

با توجه به مطالب پیش‌گفته در خصوص اهمیت سکونت در میان ساکنان سکونتگاه‌های خودانگیخته و نیز با عنایت به معرفی نمونه‌هایی مرتبط با موضوع در سطوح و کشورهای

ت ۳. ویژگی‌های سکونتگاه‌های خودانگیخته از منظر صاحب‌نظران و پژوهشگران بر مبنای تعداد دفعات تکرار، پژوهش و تدوین: نگارندگان.

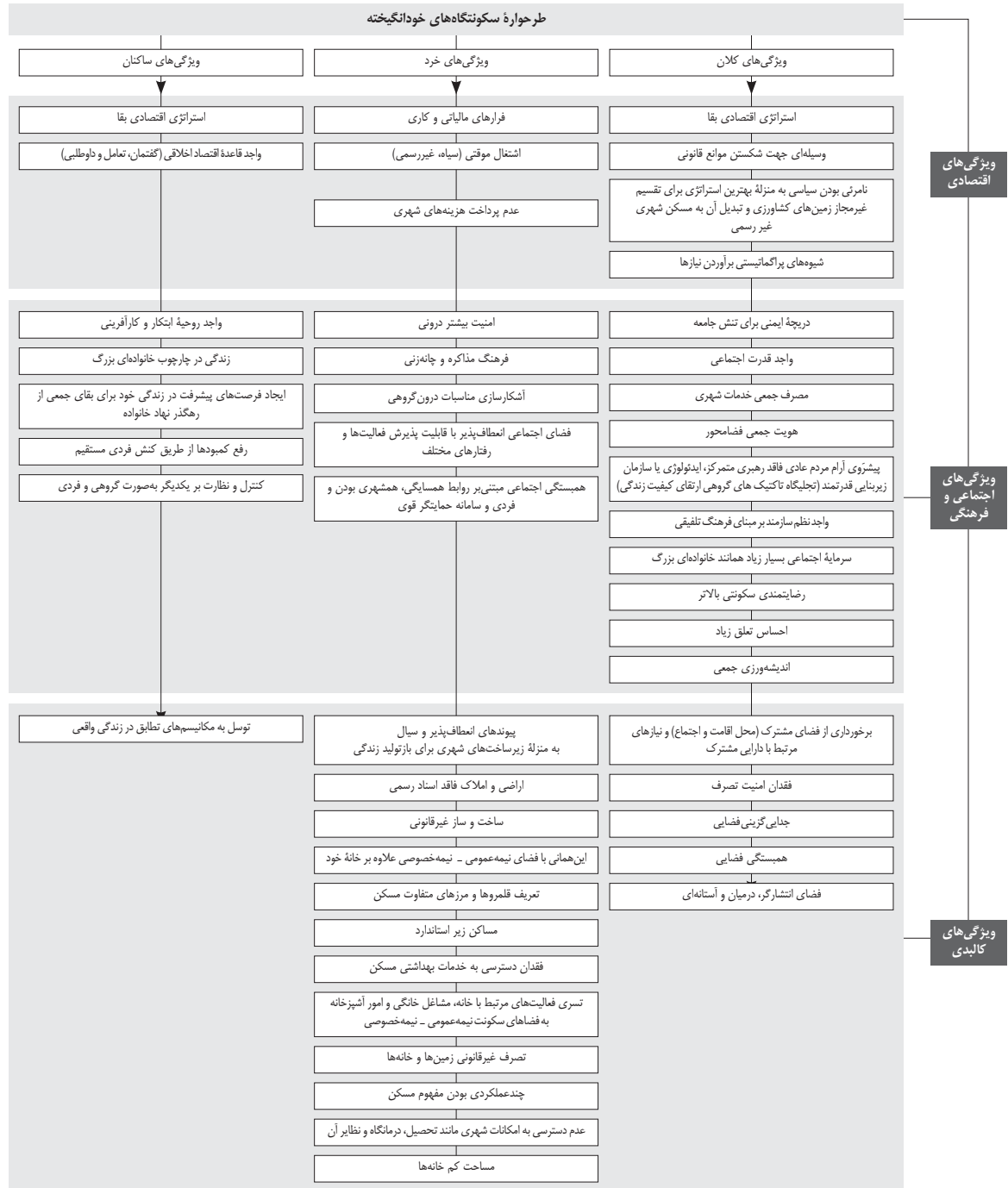
مختلف، به منظور تمرکز ویژه بر هدف اصلی تحقیق و دریافت تجلی چگونگی مفهوم سکونت در سکونتگاه‌های خودانگیخته، چنانچه اشاره شد، پس از جست‌وجوی متمرکز از منابع مختلف همچون مقالات، کتب، و سایت‌های علمی (که در قسمت مقدمه به دسته‌بندی‌های مختلف هر یک اشاره شد)، در این بخش به بررسی آن دسته از نمونه‌هایی پرداخته می‌شود که بر موضوع تجلی سکونت و مفهوم آن در اسکان‌های خودانگیخته متمرکز بوده‌اند. لازم به ذکر است که در این فرایند، بدون اعمال محدودیت، واکاوی تا اشباع نظری و داده، ادامه یافته است. بر مبنای تجارب پژوهشی تحلیل محتوا در ارتباط با مفهوم سکونت در سکونتگاه‌های خودانگیخته در چهار سطح صورت گرفته است که به شرح زیر است:

۵. تجلی مفهوم سکونت در سکونتگاه‌های خودانگیخته

پس از مطالعات نظری و دستیابی به طر حواره مفهوم سکونت و اسکان خودانگیخته، که بر اساس آرای صاحب‌نظران، پژوهشگران، و تجارب پژوهشی مرتبط حاصل گشت، و نیز با تأکید ویژه بر تجارب پژوهشی معرفی‌شده، در ادامه به چگونگی تجلی مفهوم سکونت در سکونتگاه‌های مذکور پرداخته می‌شود.

رابطه مردم با فضای عمومی در سکونتگاه‌های خودانگیخته از جنس مفهوم سکونت است؛ زیرا ویژگی‌های برشمرده برای سکونت در آن‌ها مشاهده می‌گردد و ساکنان علاوه بر خانه خود با فضاهای مذکور نیز این‌همانی دارند، مرزها و قلمروهای خانه برای ساکنان سکونتگاه‌های خودانگیخته متفاوت از قلمرو فضاهای مسکونی در سکونتگاه‌های رسمی است و ممنوعیت‌ها و قلمروهای خصوصی موجود در سکونتگاه‌های رسمی و قلمروهایی که مفهوم سکونت در آن‌ها متجلی می‌شود، و پیش‌تر بدان‌ها اشاره شد، در سکونتگاه‌های خودانگیخته به‌گونه‌ای دیگر تعریف می‌گردد. بر اساس مطالعات صورت‌گرفته، در





ویژگی‌های اقتصادی

ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی

ویژگی‌های کالبدی

ت ۴. طرحواره ویژگی‌های سکونتگاه‌های خودانگیخته، پژوهش و تدوین: نگارندگان.



جدول ۵. عوامل مرتبط با مفهوم سکونت در سکونتگاه‌های خودانگیخته براساس تحلیل محتوای تجارب پژوهشی، تدوین: نگارندگان.

این سکونتگاه‌ها، به دلیل وجود سامانه‌های حمایتگر قوی و همبستگی‌های یا امنیت بسیار زیاد، حتی رضایتمندی سکونتی بالاتر نیز مشاهده می‌گردد.^{۶۷} در نتیجه در زیست خودانگیخته، سکونت، به مثابه حصاری برای آزادی، قلمرویی فراتر از مسکن دارد تا آسیب‌پذیری‌های

موجود را از طریق همبستگی‌های اجتماعی قوی جبران کند. قلمروی که مفاهیم خلوت و پناهگاه و تعلق خاطر و تجربه و خاطره را از رهگذر درهم‌آمیزی فرهنگی در فضایی که می‌تواند جایگاهی با عنوان فضای سوم هومی‌بابا^{۶۸} بیابد، در مأمنی با هویت مکانی عمیق تحقق بخشد.^{۶۹} این مفهوم در سکونتگاه‌های

تجربه پژوهشی	مفاهیم سطح ۱ (کد)	مفاهیم سطح ۲	مفاهیم سطح ۳ (مؤلفه‌ها)	مفهوم سطح ۴	
بن‌خوره / کاسترینکا (۲۰۰۴)	تشکیل NGOها/ عدم استفاده از فضاهای طراحی شده توسط دولت <i>Sixteenth Report of State of the Nation on Sustainable (Human Development)</i> / استفاده از فضاهای شهری به سبک سابق آن‌ها/ تغییر فضا مبتنی بر نیاز خود/ انجام فعالیت‌های ضروری داخل منزل در فضای عمومی و تلفیق با الگوی گذران اوقات فراغت و فعالیت‌های اجتماعی / گفتگوی همسایگان و گوش کردن به مردم به منزله فعالیت‌های اجتماعی در فضاهای شهری (K. Grundstrom, Gender and Use of Public Space, Housing Development and Management-HDM)	مفاهیم سطح ۱-۲ روش‌های انعطاف‌پذیر بر آوردن نیازها/ فضای اجتماعی انعطاف‌پذیر به مثابه تجلیگاه رفتارهای روزمره/ این‌همانی با فضای نیمه‌عمومی- نیمه‌خصوصی علاوه بر خانه خود/ رفع کمبودها از طریق کنش فردی مستقیم/ ارتباطات گسترده همسایگی/ انگاره فضای مشترک و دارایی مشترک	مفاهیم سطح ۲-۳ سیاست مقاومت و مخالفت/ پیشروی آرام/ توسل به مکانیسم‌های تطابق در زندگی روزمره/ پویایی قدرتمند/ زندگی در چارچوب خانواده بزرگ/ سامانه‌های حمایتگر قوی/ تعاملات اجتماعی بالا	همبستگی فضایی/ قدرت اجتماعی- سیاسی/ اعتماد گروهی مبتنی بر منافع مشترک/ شفافیت مناسبات درون گروهی/ این‌همانی فضایی/ فقدان امنیت تصرف	
بارسونو/ اسپانیا (۲۰۰۴)	فقر و کم‌بضاعتی/ اشتغال ناپایدار/ استفاده از فضاهای عمومی مرتبط با فرهنگ و وضعیت اقتصادی ساکنان/ تعاملات اجتماعی بالا/ برخورداری از طرح مشارکتی توانمندسازی با همکاری زنان/ توجه به الگوهای استفاده ساکنان از فضای شهری و نحوه انجام فعالیت‌های شهری/ انجام بسیاری از فعالیت‌های ضروری داخل منزل در فضای شهری مانند آشپزی و نظارت بر بازی کودکان (M. Roman, et al, "Urban Planning, gender and the use of public space (in a peripheral neighbourhood of Barcelona"	روش‌های انعطاف‌پذیر بر آوردن نیازها/ ارتباطات و تعاملات اجتماعی بالا/ فضای اجتماعی انعطاف‌پذیر به مثابه تجلیگاه رفتارهای روزمره/ این‌همانی با فضای نیمه‌عمومی- نیمه‌خصوصی علاوه بر خانه خود/ نظم سازمند مبتنی بر فرهنگ تلفیقی/ رفع کمبودها از طریق کنش فردی مستقیم/ انگاره فضای مشترک و دارایی مشترک/ چشمان ناظر مادران	توسل به مکانیسم‌های تطابق در زندگی روزمره/ سیاست مقاومت و مخالفت/ پیشروی آرام/ پویایی قدرتمند/ زندگی در چارچوب خانواده بزرگ/ سامانه‌های حمایتگر قوی/ فرهنگ مذاکره و چانه‌زنی/ امنیت	هویت جمعی فضا محور/ همبستگی فضایی/ رضایتمندی سکونتی بالاتر/ احساس تعلق/ امنیت درونی/ فرهنگ تلفیقی/ قدرت اجتماعی- سیاسی/ شفافیت مناسبات درون گروهی/ فقدان امنیت تصرف	
قاهره/ مصر (۲۰۰۵)	توجه به گروه‌های مختلف اجتماعی و ویژگی‌های هریک/ عرضه ایده‌ها در طرح توانمندسازی توسط ساکنان/ توجه به رفتارها و ویژگی‌های ساکنان/ طراحی فضاهای باز و زیرساخت‌ها توسط مردم AGA KHAN, Al-Azhar park, Cairo and the Revitalization) (of Darbal-ahamar	روش‌های انعطاف‌پذیر بر آوردن نیازها/ فضای اجتماعی انعطاف‌پذیر به مثابه تجلیگاه رفتارهای روزمره/ رفع کمبودها از طریق کنش فردی مستقیم/ انگاره فضای مشترک و دارایی مشترک/ دستیابی به استقلال	توسل به مکانیسم‌های تطابق در زندگی روزمره/ پیشروی آرام/ مصرف جمعی/ همراهی جمعی/ فرهنگ مذاکره و چانه‌زنی/ زندگی در چارچوب خانواده بزرگ/ سامانه‌های حمایتگر قوی/ پویایی قدرتمند	اندیشه‌ورزی جمعی/ هویت جمعی فضا محور/ احساس تعلق/ قدرت جمعی/ سرمایه اجتماعی زیاد/ فقدان امنیت تصرف	
سورابایا/ اندونزی (۲۰۰۷)	عرضه ایده‌های خلاقانه توسط ساکنان/ ایجاد مانع بر سر تخریب دولتی سکونتگاه توسط مردم/ تشکیل NGO و سازمان‌دهی مردمی توسط ساکنان/ عرضه راه حل موضوع آلودگی محیط زیست/ مشارکت در طرح‌ها W. Some, et al, "Renovation not Relocation: The Work of (Paguyuban Warga Strenkali (PWS) in Indonesia"	ابتکار و روحیه خلاقیت فقرا/ روش‌های انعطاف‌پذیر بر آوردن نیازها/ انگاره فضای مشترک و دارایی مشترک/ دستیابی به استقلال	سامانه‌های حمایتگر قوی/ سیاست مقاومت و مخالفت/ پیشروی آرام/ همراهی جمعی/ فرهنگ مذاکره و چانه‌زنی/ زندگی در چارچوب خانواده بزرگ/ پویایی قدرتمند	اندیشه‌ورزی جمعی/ هویت جمعی/ قدرت اجتماعی- سیاسی/ همبستگی و اتحاد اجتماعی و فضایی/ احساس تعلق/ سرمایه اجتماعی/ فقدان امنیت تصرف	
کاتاکومبا/ برزیل (۲۰۱۰)	تامل و ارتباط گروه‌های مختلف سنی و جنسی در فضاهای عمومی/ انجام فعالیت‌های گروهی توسط زنان در فضاهای عمومی/ انتخاب رهبر و برگزاری جلسات هفتگی همفکری و سازمان‌دهی امور جمعی/ بسیج گروهی جهت بهبود خدمات/ کار و تلاش سخت/ کنترل یکدیگر در فضاهای عمومی/ زندگی روزمره سرزنده و آرام/ انجام فعالیت‌های ضروری در فضاهای عمومی و همراهی یکدیگر (جانیس پرلن، فاولا چهارده زندگی بیبنا در سکونتگاه‌های ریودوژانیرو)	ارتباطات و تعاملات اجتماعی بالا/ فضای اجتماعی انعطاف‌پذیر به مثابه تجلیگاه رفتارهای روزمره/ این‌همانی با فضای نیمه‌عمومی- نیمه‌خصوصی علاوه بر خانه خود/ نظم سازمند مبتنی بر فرهنگ تلفیقی/ شکستن موانع قانونی/ چشمان ناظر/ ابتکار و روحیه خلاقیت فقرا/ روش‌های انعطاف‌پذیر بر آوردن نیازها/ انگاره فضای مشترک و دارایی مشترک/ دستیابی به استقلال	توسل به مکانیسم‌های تطابق در زندگی روزمره/ پیشروی آرام/ سامانه‌های حمایتگر قوی/ امنیت/ حیات سیاسی/ سیاست مقاومت و مخالفت/ همراهی جمعی/ فرهنگ مذاکره و چانه‌زنی/ زندگی در چارچوب خانواده بزرگ/ پویایی قدرتمند/ روش‌های انعطاف‌پذیر بر آوردن نیازها/ امید به آینده	احساس تعلق/ امنیت درونی/ هویت جمعی/ اجماع گروهی مبتنی بر اندیشه‌ورزی جمعی/ همبستگی فضایی/ اعتماد گروهی/ رضایتمندی سکونتی/ شفافیت مناسبات درون گروهی/ قدرت اجتماعی- سیاسی/ فقدان امنیت تصرف/ فرهنگ تلفیقی	

استدلال و توجیه

می‌گردد و جایگاهی چندقطبی و درگاهی‌وار دارد، سخن همه و هیچ‌کس را بر زبان دارد و احساسی بینابینی را برای ساکنان سکونتگاه‌های مذکور به ارمغان می‌آورد؛ این وضعیت نه‌تنها نویدبخش امتداد زندگی جامعه‌ی مبدأ است، بلکه در انطباق با جامعه‌ی مقصد، و امکانات و محدودیت‌های آن گام برمی‌دارد. این فضای سوم فرهنگی نه‌تنها در تضادها و کشاکش‌های فرهنگی اقشار متفاوت ساکن ساخته شده است، بلکه فرهنگ خاصی را

خودانگیخته در واقع همان شیوه‌ی زیست مبتنی بر اختلاط و یا درهم‌آمیزی فرهنگ مهاجرانی است که به شهرها وارد شده‌اند و فرهنگ دیگری را شکل داده‌اند که نه همان مبدأ است و نه کاملاً با فرهنگ مقصد منطبق شده است. در واقع فرهنگ حاکم بر شیوه‌ی زیست افراد در سکونتگاه‌های خودانگیخته درهم‌آمیزی شیوه‌ی زیست روستایی (مبدأ مهاجرت) و شیوه‌ی زیست شهری است که از طریق مذاکره و تعامل فرهنگ‌های مختلف حاصل

مفهوم سطح ۴	مفاهیم سطح ۳ (مؤلفه‌ها)	مفاهیم سطح ۲		مفاهیم سطح ۱ (کد)	تجربه پژوهشی
استرزی نفا	همبستگی فضایی/ قدرت اجتماعی- سیاسی/ اعتماد گروهی مبتنی بر منافع مشترک/ شفافیت مناسبات درون‌گروهی/ این‌همانی فضایی/ امنیت درونی/ فقدان امنیت تصرف	سیاست مقاومت و مخالفت/ پیشروی آرام/ توسل به مکانیسم‌های تطابق در زندگی روزمره/ زندگی در چارچوب خانواده‌ی بزرگ/ سامانه‌های حمایتگر قوی/ امنیت	توسل به مکانیسم‌های تطابق در زندگی روزمره/ فضای اجتماعی انعطاف‌پذیر به مثابه‌ی تجلیگاه رفتارهای روزمره/ این‌همانی با فضای نیمه‌عمومی- نیمه‌خصوصی علاوه بر خانه‌ی خود/ رفع کمبودها از طریق کنش فردی مستقیم/ ارتباطات گسترده همسایگی/ چشمان ناظر مادران	ایجاد مکان‌هایی برای انجام انواع فعالیت‌های ضروری، انتخابی، و اجتماعی در فضاهای عمومی/ کشاورزی گروهی زنان/ تغییر فضاهای شهری توسط ساکنان منطبق بر فرهنگ و نیاز ایشان/ رفع تدریجی محدودیت‌های جنسیتی در استفاده از فضاهای شهری توسط ساکنان (A. Meir & M. Gekker, "Gendered Space, Power Relationships and Domestic Planning and Design among Displaced Israeli Bedouin")	بدون/ فلسطینی اشغالی (۲۰۱۱)
	همبستگی و اتحاد فضایی/ هویت جمعی فضا محور/ اجماع گروهی مبتنی بر اندیشه‌ورزی جمعی/ قدرت اجتماعی- سیاسی/ اعتماد گروهی/ فقدان امنیت تصرف	سیاست مقاومت و مخالفت/ پیشروی آرام/ پویایی قدرتمند/ زندگی در چارچوب خانواده‌ی بزرگ/ سامانه‌های حمایتگر قوی/ حیات سیاسی/ همراهی جمعی/ فرهنگ مذاکره و چانه‌زنی	رفع کمبودها از طریق کنش فردی مستقیم/ دستیابی به استقلال/ شکستن موانع قانونی/ عادات گروهی زیست خودانگیخته/ شیوه‌های پراگماتیستی برآوردن نیازها	کف‌سازی معابر توسط دولت به دلیل برخورداری از رأی در انتخابات/ ساخت خانه‌ها توسط خود مالکان/ دریافت خدمات با فشار عریضه‌نویسی/ برخورداری از خدمات تجاری مورد نیاز/ توسعه و پیشرفت مناسب/ فروش غذای خانگی و لوازم ساده منزل توسط ساکنان/ انجام فعالیت‌های گروهی سازمان‌دهی شده برای دستیابی به مطالبات و تسهیلات مورد نیاز زندگی (M. Lombard, "Constructing ordinary places: Place-making in urban (informal settlements in Mexico", p. 5-32)	خالپا/ مکزیک (۲۰۱۴)
	وجود امنیت تصرف/ هویت جمعی فضا محور مبتنی بر مشارکت طایفه‌ها/ سرمایه‌ی اجتماعی گروهی/ همبستگی و اتحاد فضایی- اجتماعی	پیشروی آرام/ زندگی در چارچوب خانواده‌ی بزرگ/ سامانه‌های حمایتگر قوی/ تعاملات اجتماعی بالا/ همراهی جمعی/ امنیت استفاده از ملک	خودکفایی نسبی/ توسعه‌ی اقتصادی محلی و فردی/ مسئولیت‌پذیری ساکنان/ رفع کمبودها از طریق کنش فردی مستقیم/ دستیابی به استقلال/ ارتباطات گسترده قومی و همسایگی/ انگاره‌ی فضای مشترک و داریی مشترک	واگذاری حق تصرف ملک به ساکنان توسط دولت/ اجرای راه حل‌ها توسط ساکنان/ وجود باغداری محلی/ ساختار قبیله‌ای و خوشنامی طایفه‌ها/ فراهم‌سازی تسهیلاتی همچون تانکرهای آب سبز، زمین بازی، روشنایی و کف‌سازی از طریق طرح توانمندسازی/ وجود فضاهای نیمه‌عمومی- نیمه‌خصوصی (Ahmed Khalil, et al, "Improving Living Conditions in Informal Settlements, (the Case of El-Arab, Hurghada")	غردقه/ مصر (۲۰۱۶)
شفافیت مناسبات درون‌گروهی/ اعتماد جمعی/ همبستگی فضایی/ قدرت اجتماعی- سیاسی	پیشروی آرام/ ایجاد نظام‌های شهری جدید/ توسل به مکانیسم‌های تطابق در زندگی روزمره/ سامانه‌های حمایتگر قوی/ حیات سیاسی/ سیاست مقاومت و مخالفت/ همراهی جمعی/ فرهنگ مذاکره و چانه‌زنی/ زندگی در چارچوب خانواده‌ی بزرگ/ پویایی قدرتمند/ روش‌های انعطاف‌پذیر برآوردن نیازها/ امید به آینده	شکل‌دهی فضا و روابط اجتماعی به یکدیگر به صورت دیالکتیکی/ توسل به مکانیسم‌های تطابق در زندگی روزمره/ فضای اجتماعی انعطاف‌پذیر به مثابه‌ی تجلیگاه رفتارهای روزمره/ این‌همانی با فضای نیمه‌عمومی- نیمه‌خصوصی علاوه بر خانه‌ی خود/ رفع کمبودها از طریق کنش فردی مستقیم/ ارتباطات گسترده همسایگی/ انگاره‌ی فضای مشترک و داریی مشترک/ دستیابی به استقلال/ ابتکار و روحیه‌ی خلاقیت/ شکستن موانع قانونی/ شیوه‌های پراگماتیستی برآوردن نیازها	انجام فعالیت‌های ضروری داخل منزل در فضای عمومی و تلفیق با الگوی گذران اوقات فراغت و فعالیت‌های اجتماعی/ تشکیل انجمن‌ها و نهادهای مردمی/ انجام پروژه‌های موقت، پراکنده، و فرصت‌طلبانه/ مدیریت محلی/ تلاش برای بهبود زندگی در مقیاس‌های مختلف و دستیابی به خدمات و امکانات مورد نیاز/ اقدامات ناسازمان‌یافته فردی و گروهی (A. Bari, Understanding Urban Informality: (Everyday Life in Informal Urban Settlements in Pakistan)	نیل/ پاکستان (۲۰۱۶)	

۶۷. نک: محمد شیخی و دیگران، «مطالعه تطبیقی حس تعلق مکانی در سکونتگاه‌های رسمی و غیررسمی؛ مورد مطالعه: شهر جدید پرد و نسیم‌شهر».

۶۸. هومی‌بابا از جمله صاحب‌نظرانی است که در زمینه بسط نظریه فرهنگی تلاش کرده است. یکی از مهم‌ترین انگاره‌های وی «فضای سوم» است که در نظرگاه او فرهنگی تلفیقی می‌یابد. به اعتقاد وی زمانی که فرهنگ از بستر جدیدی عبور می‌کند، هویت متفاوتی را می‌سازد که این خود نه همان فرهنگ مبدا و نه فرهنگ بستر جدید، بلکه فرهنگی به معنای نه این و نه آن و تلفیقی است. در نتیجه، هویت ذاتا پویا است و پیوسته دستخوش تغییر و اضطراب است و هر نوع محثی درباره مسئله هویت باید از میان مقوله‌هایی همچون ملیت، نژاد، طبقه اجتماع، و جنسیت عبور کند؛ فرهنگی که باید پاسخ‌گوی نیازهای جدیدی باشد که در بستری تلفیقی نمود یافته و شیوه زندگی نوینی پدید آورده است.

69. H. Bhabha, *The Location of Culture*, p. 24.

نمود نمی‌بخشد و افراد هریک به نحوی شاهد جنبه‌هایی متنوع از فرهنگ خود هستند که به شکلی متفاوت و در تلفیق با سایر فرهنگ‌ها تجلی می‌یابد و هویتی دیگرگونه را نمود می‌بخشد و این امر سبب شیوع سرمایه فرهنگی تساهل، کاردانی، حس اجتماعی قوی، مناسبات خانوادگی مستحکم، کنترل اجتماعی شدید کودکان و جوانان، آموزش، امید بسیار به آینده، و پویایی اجتماعی می‌گردد. این در حالی است که افرادی که از سکونت خودانگیخته برخوردارند، در اقتصاد شهری پیچیده و تقسیم کار درگیرند و از خدمات شهری بهره‌مند می‌شوند، چگونگی بهره‌مندی از فرصت‌های متفاوت شهری را آموخته‌اند، و مخلص کلام، همواره در جهت بهبود شرایط زندگی خود تلاش می‌کنند. بر این اساس، مفهوم سکونت در قلمروهای هویتی جدیدی بازتعریف می‌شود که نتیجه هم‌صدایی فرهنگ‌های متنوع و متضادی اما در کنار یکدیگر است تا بقایشان تضمین شود و آرامش و سکونای خانه را از رهگذر همراهی و پیوندهای گروهی سبب گردند.

سکونتی که مفهوم تکیه‌گاه را با امنیت درونی در فضایی وسیع‌تر تجلی بخشد، به صورت دریچه ایمنی برای تنش‌های جامعه عمل می‌کند و ابزاری برای رویارویی با جهانی است که همواره در صدد حذف برمی‌آید. همبستگی‌های اجتماعی مجال نمود فرصت‌های اجتماعی و اقتصادی است که ضرورت بقای آن‌ها را ایجاد می‌کند، مصرف جمعی خدمات و فضاهای جمعی را به همراه دارد، و چشم‌انداز آرمانی مشترک نسبت به دنیای بهتر و رویایی‌تر را می‌تواند به ارمغان آورد. ساکنان در تضمین بقای خویش فعال هستند تا بتوانند بر ناملایمات فائق آیند؛ در این میان هویت جمعی فضا محور و احساس تعلق قوی حاصل می‌آید و تعریفی دگرگونه از محافظت کردن، ماندن، ساختن، مکان بودن، و در نهایت سکونت جلوه‌گر می‌شود که در بهره‌وری‌های جمعی از خدمات، امکانات، و حتی فضاهای شهری با صراحت و آشکارا نمود می‌یابد؛ زیرا در خانواده (بزرگ)

چیزی برای پنهان کردن در راستای اتحاد جمعی، بقای گروهی، و در نهایت ارتقای کیفیت زندگی وجود ندارد.

درواقع، پیامدهای جامعه سرمایه‌داری عملاً منجر به ایجاد فضای خودانگیخته برای گروهی به حاشیه رانده شده می‌شود که از فرایند مستقیم تولید جدا مانده‌اند و سپس گروه مذکور بار دیگر فضا را بر مبنای زندگی خود شکل می‌دهند و فعالیت‌های روزمره خویش را در آن سامان‌دهی و با استمرار حضور در فضا، تعلق خاطر و هویت و قلمرو خویش را در آن تعریف می‌کنند و مفاهیم سکونت را در فضای تولیدشده تجلی می‌بخشند و زیست‌جهان خود را می‌سازند. در نتیجه هنگامی که تعداد بسیار زیادی از مردم مشابه هم عمل می‌کنند، منجر به طبیعی شدن و مشروع شدن رفتارهایی می‌شود که پیش‌تر نامشروع می‌نمایانند. رفتار پر شمار ممکن است فضاهای قدرت را در جامعه به تسخیر و تصرف فرودستانی درآورد که بتوانند در آن رشد کنند، متحد شوند، و پادقوت‌های خود را بسازند. بنابراین، هر چند این افراد به طور منفرد و مجرد عمل می‌کنند، اما تأثیر رفتارهای آن‌ها ضرورتاً حاشیه‌ای نخواهد بود. ایشان می‌توانند به یکدیگر پیوندند و پویایی قدرتمندی را نسبت به مجموع افراد ایجاد کنند. این توده‌ها با مشاهده یکدیگر در سکونتگاه‌هایشان هویت مشترکشان را درونی می‌کنند، فضاهای ذهنی و زیسته خود را بار دیگر می‌سازند. از منظر دقیق‌تر، آسیب‌پذیری‌های موجود که عمدتاً سرمنشأ اقتصادی دارند و می‌توانند تنش‌های فراوانی را ایجاد کنند، از رهگذر زندگی در خانواده‌ای بزرگ تعدیل می‌شود و آرامش و سکون در خانه، به صورتی متفاوت، فراهم می‌گردد. نتیجتاً سکونت در سکونتگاه‌های خودانگیخته راهبردی است که تداوم ساکنان را تضمین می‌کند و ماحصل مقابله و مقاومت در برابر پس‌زدگی‌هایی جامعه سرمایه‌داری است و ما آن را استراتژی بقا می‌نامیم.

۶. نتیجه‌گیری

سکونت باز نمود ایده‌های انسان و بیان‌کننده آرزوهای اوست و متأثر از عوامل فرهنگی و نمودهای آن تعریف و شناسایی می‌شود؛ همچنین مسکن از جمله نیازهای رده نخست طبقاتی است که برآوردن آن ضروری تلقی می‌گردد. علاوه بر تأمین نیازهای فردی، مسکن باید بتواند نیازهای اجتماعی انسان را نیز برآورده کند؛ همچنین خانه را نمی‌توان جدا از مجتمع یا بستر آن مطالعه کرد و باید به مثابه بخشی از کل، دربرگیرنده نظام اجتماعی و نظام فضایی خانه و شیوه زندگی، مجتمع زیستی، و حتی منظر بررسی شود.

با وجود اهمیت این پدیده، یکی از معضلاتی که شهرها با آن روبه‌رو هستند، خیل مردمی است که به سمت آن‌ها هجوم آورده‌اند، بدون آنکه توان تهیه مسکن مناسب و باکیفیت را داشته باشند. این امر منجر به شکل‌گیری سکونتگاه‌های خودانگیخته، با انواع محدودیت‌ها، از جمله محدودیت‌های کالبدی-فضایی می‌گردد. در نتیجه، ایشان فضاها را مبتنی بر فرهنگ، شیوه زندگی، و نیاز خود بازتولید می‌کنند؛ به گونه‌ای که بستر فضایی مسکن موجود را منطبق با خواسته‌های خود تغییر دهند و اصطلاحاً شیوه سکونت خود را بر فضا حاکم گردانند. در پژوهش‌ها و نظریات پیشین به بیان ویژگی‌ها و مؤلفه‌های مفهوم و شیوه سکونت و سکونتگاه‌های خودانگیخته به طور جداگانه پرداخته شده است؛ لیکن، ارتباط دو امر مذکور و مؤلفه‌های منحصر به فرد سکونت در اسکان خودانگیخته شناسایی نگشته‌اند. به دلیل اهمیت پدیده مذکور، در مقاله تلاش شد تا به بازشناسی مؤلفه‌های تجلی مفهوم سکونت در سکونتگاه‌های خودانگیخته مبتنی بر تجارب پژوهشی پرداخته شود.

بر این اساس ابتدا تعاریف مفهوم سکونت، سکونتگاه‌های خودانگیخته، ویژگی‌ها، و مؤلفه‌های معرف هر یک از دیدگاه صاحب‌نظران بررسی و پژوهش‌های داخلی و خارجی مرتبط

واکاوای شد. پس از دستیابی به دیاگرام مفهوم سکونت و سکونتگاه‌های خودانگیخته، تلاش شد تا با بررسی تجارب پژوهشی در مناطق کاستاریکا، اندونزی، فلسطین اشغالی، اسپانیا، مصر، برزیل، مکزیک، و پاکستان و تحلیل شیوه زندگی در آن‌ها، مؤلفه‌ها و ویژگی‌های مفهوم سکونت در سکونتگاه‌های خودانگیخته معرفی گردد.

شیوه سکونت در سکونتگاه‌های خودانگیخته برخاسته از هم‌صدایی فرهنگ‌های متنوع و متضاد است؛ زیرا تنوع فرهنگی به منزله یک گفتمان مثبت عنصر لازم جوامع دارای فرهنگ‌های گوناگون است. همه فرهنگ‌ها چیزی برای عرضه به دیگران و نیز یاد گرفتن از آن‌ها دارند و با تمرین‌های هرروزه تعاملات اجتماعی رشد می‌کنند، رشدی که سیاست مقاومت را تحقق می‌بخشد و می‌تواند تضمین‌کننده بقای ساکنان از رهگذر همبستگی فضایی و اعتماد اجتماعی و تبلور قدرت اجتماعی ایشان باشد. آن‌ها شیوه زندگی پیشین خود را با اجتماع جدید پیوند می‌زنند و فرهنگ تلفیقی بر اساس اجماع گروهی مبتنی بر اندیشه‌ورزی جمعی و شفافیت مناسبات درون‌گروهی با گذشت زمان رخسار می‌نماید و به سازمان‌دهی‌های مادی زیست‌جهان و آگاهی‌های درونی ساکنان در جهت انطباق با فضا و محدودیت‌ها و امکاناتش شکل می‌دهد و لایه‌ای جدید بر ساختار فرهنگ می‌افزاید، که جلوه‌گاه حق تفاوت و حق به شهر و حضور می‌گردد؛ چرا که آشنا و تجلی هویت جمعی فضا محور است، هویتی جمعی که با حس تعلق نه لزوماً بر مبنای نژاد، مذهب، یا قومیت، بلکه بر اساس یک تعهد مشترک به جامعه سیاسی پیوند می‌خورد و تعریفی دیگرگونه از تعلق خاطر و قلمرو با خود به‌همراه دارد و منجر به درونی شدن هویت مشترک ساکنان در سکونتگاه‌های خودانگیخته می‌گردد که فضای زیسته و ذهنی جدید ساکنان را بازنمایی می‌کند. این تعهد شهروندانی قدرتمند می‌طلبد، ساکنانی که گرچه به حاشیه رانده شده‌اند، از امنیت تصرف بی‌بهره مانده و جدایی‌گزینی

موقتی، فردی، و یا جمعی در دستیابی به زمین، مسکن، خدمات، و امکانات هستند. بر این اساس، تنش‌ها و آسیب‌پذیری‌هایی موجود در سکونتگاه‌های خودانگیخته که پیامد جامعه سرمایه‌داری است، از منظر حضور در خانواده‌ای بزرگ و سامانه‌های حمایتگر قدرتمند موجود در آن، تعدیل و امر سکونت در ارتباط با مفاهیم سکنی و آرامش خانه به گونه‌ای دیگر فراهم می‌گردد. در نتیجه، سکونت در سکونتگاه‌های خودانگیخته راهبردی است که تداوم ساکنان در مقابل پس‌زدگی‌های جامعه مقصد را تضمین می‌کند که استراتژی بقا نامیده می‌شود.

بنابراین، مؤلفه‌های تجلی‌دهنده مفهوم سکونت در سکونتگاه‌های خودانگیخته بر مبنای تحلیل‌های انجام‌شده (ت ۵) چنین هستند: هویت جمعی فضا محور، این‌همانی فضایی، اجماع گروهی مبتنی بر اندیشه‌ورزی جمعی، امنیت درونی، جدایی‌گزینی فضایی، سرمایه اجتماعی گروهی، امنیت تصرف، فرهنگ تلفیقی (قرابت فرهنگی)، رضایتمندی سکونتی بالاتر، قدرت سیاسی، فضای جمعی درون‌گرا، شفافیت مناسبات درون‌گروهی، اعتماد اجتماعی، پویایی فرهنگی و همبستگی فضایی. مؤلفه‌های مذکور استراتژی‌هایی هستند که ساکنان سکونتگاه‌های خودانگیخته به دلیل بهره‌مندی از آن‌ها برای بقای خویش تلاش می‌کنند. در «ت ۵» بر اساس ترکیب مؤلفه‌های مفهوم سکونت و سکونتگاه‌های خودانگیخته و از منظر تجارب پژوهشی مرتبط نمایش داده شده‌اند.

زندگی در کنار افراد متفاوت، یادگرفتن از ایشان، و خلق دنیای جدید به همراه آن‌ها را به جای ترسیدن از ایشان فراهم می‌آورند. بر اساس نظرگاه مذکور، سکونتگاه‌های خودانگیخته می‌توانند مفهومی از اجتماع را نمود بخشند که به شهروندان حسی از خانه با امنیت درونی را بدهد؛ اما به منزله بخشی از یک زمینه اجتماعی بزرگ‌تر و یک فرهنگ تلفیقی شکل گرفته در بستر زمان، که سرنوشت درهم‌بافته ساکنان را، همچون «خانواده‌ای بزرگ»، در مقابل محدودیت‌ها، مشکلات، و راه دشوار پیش رو به رسمیت بشناسد و بر پویایی هویت صحنه بگذارند و مذاکره میان مواضع در راستای تحقق امر صلاح و مطلوب در مواجهه با شرایط ویژه زندگی در سکونتگاه‌های خودانگیخته، امکانات، و محدودیت‌هایشان را سبب می‌گردد و از این ره سرمایه‌های اجتماعی گروهی فراوان و آزادی روانی را با خود به همراه دارد که ارتباطات اجتماعی را تشدید می‌کند و بر سنت و خانواده گروهی پای می‌فشارد. بر این اساس، مفهوم روابط اجتماعی و انجمن‌های محله‌ای، به مثابه یک سرمایه کلیدی در زمینه فقر و فقدان، نمود می‌یابد و شناخت سازمان‌های اجتماعی به منزله دارایی‌ها و بستر ایجاد توانایی‌های ساکنان، بینشی بهتر در ماهیت عملیاتی روش‌های جانشین تولید شهری را فراهم می‌کند. الگوهای اقدامات خودانگیخته‌ها یا «قدرت جمعی» ایشان مدلی از «پیشروی‌های آرام» و «راهکارهای خلاقانه فردی و جمعی» را نشان می‌دهد که سازمان‌نیافته،

منابع و مأخذ

پژوهش‌های روستایی، دانشگاه تهران، دوره ۱، ش ۱ (بهار ۱۳۸۹)، ص ۱۶۶-۱۹۱.

اسماعیل‌پور، نجم. «بررسی وضعیت مسکن در سکونتگاه‌های غیر رسمی و ارائه راهبردهای ساماندهی آن‌ها؛ نمونه موردی: محله حسن‌آباد یزد»، در نشریه مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، ش ۴ (بهار ۱۳۸۹)، ص ۹۵-۱۱۲.

آرنت، هانا. انسان‌ها در عصر ظلمت، ترجمه مهدی خلجی، تهران: توانا، ۱۳۹۵.

آشوری، داریوش. تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ، تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا، ۱۳۵۷.

ابراهیم‌زاده، عیسی و حمید وارثی و محمود اکبری. «نقش مهاجرت‌های روستایی در اسکان غیر رسمی؛ مطالعه موردی: متروپل اهواز»، در مجله

ت ۵ (صفحه روبه‌رو).
 بیان مفهوم سکونت در سکونتگاه‌های خودانگیخته مبتنی بر تجارب پژوهشی، پژوهش و تدوین: نگارندگان.

_____ . فقرزایی در سکونتگاه‌های غیر رسمی شیرآباد زاهدان، تهران: برنامه عمران ملل متحد، ۱۳۷۹.

حاتمی‌نژاد، حسین و فرانک سیفال‌دینی و محمد میره. «بررسی شاخص‌های مسکن غیر رسمی در ایران؛ نمونه موردی: محله شیخ‌آباد قم»، در نشریه پژوهش‌های جغرافیایی، ش ۵۸ (۱۳۸۵)، ص ۱۲۹-۱۴۵.

حائری‌مازندرانی، محمدرضا. خانه، فرهنگ، طبیعت، تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، ۱۳۸۸.

حبیبی، میترا و نیلوفر گرامی. «چگونگی استفاده از فضاهای شهری در سکونتگاه‌های غیر رسمی؛ مورد پژوهی: جداره شرقی بزرگراه چمران تهران»، در پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ش ۳۲ (بهار ۱۳۹۷)، ص ۱۶۳-۱۷۴.

راپاپورت، آموس. «فرهنگ و نظم شهری»، ترجمه سمیه جبرایی، در تارنما: انسان‌شناسی و فرهنگ، ۱۳۸۵.

_____ . انسان‌شناسی مسکن، ترجمه خسرو افضلیان، تهران: حرفه هنرمند، ۱۳۹۲.

_____ . معنی محیط ساخته‌شده: رویکردی در ارتباط غیرکلامی، ترجمه فرح حبیب، تهران: انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری، ۱۳۸۴.

_____ . منشأ فرهنگی مجتمع‌های زیستی، ترجمه راضیه رضازاده، تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه علم و صنعت، ۱۳۶۶.

زیاری، کرامت‌اله و آذردخت نودری. «ساماندهی و توانمندسازی اسکان غیر رسمی شهر اهواز (کوی منبع آب)»، در نشریه پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، ش ۶۸ (۱۳۸۷)، ص ۲۱-۳۶.

شار، ادم. کلبه‌های دیگر، ترجمه ایرج قانونی، تهران: نشر ثالث، ۱۳۸۹.

شیخی، محمد و سعیده امینی و آناهیتا نظامی. «مطالعه تطبیقی حس تعلق مکانی در سکونتگاه‌های رسمی و غیر رسمی؛ مورد مطالعه: شهر جدید پرند و نسیم‌شهر»، در فصلنامه علوم اجتماعی، ش ۶۹ (۱۳۹۴)، ص ۴۵-۷۴.

صرافی، مظفر. «به سوی نظریه‌ای برای ساماندهی اسکان غیر رسمی از حاشیه‌نشینی تا متن شهرنشینی»، در نشریه علمی تخصصی هفت شهر. ش ۸ (۱۳۸۱).

طاهری، جعفر. «بازاندیشی مفهوم سکونت در معماری»، در مطالعات معماری ایران، ش ۴ (۱۳۹۲)، ص ۵۴-۲۲.

قرخلو، مهدی و اصغر عابدینی. «اسکان غیررسمی و راهبردهای ساماندهی سکونتگاه‌های نامتعارف با تأکید بر بخش مسکن در ایران»، در نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی، ش ۲۵ (پاییز ۱۳۸۷)، ص ۱۴۹-۱۷۶.

ایراندوست، کیومرث و روح‌الله تولایی. «الگوی مسکن فقرا در سکونتگاه‌های غیر رسمی؛ نمونه موردی: عباس‌آباد سندج»، در فصلنامه علمی پژوهشی ساخت شهر، ش ۲۰ (تابستان ۱۳۹۱)، ص ۲-۱۲.

ایراندوست، کیومرث و مظفر صرافی. «یأس و امید در سکونتگاه‌های غیر رسمی؛ نمونه موردی: شهر کرمانشاه»، در نشریه رفاه اجتماعی، ش ۲۶ (پاییز ۱۳۸۶)، ص ۲۰۱-۲۲۱.

ایلکا، شاهین و بهروز منصوری و سیدمحمدرضا نصیرسلامی و سیدعلی‌اکبر صارمی. «تبیین مفهوم مسکن و سکونت در رویکرد پدیدارشناسی و رهیافت پارادایم‌های فرهنگی زیستی»، در فصلنامه مدیریت شهری، ش ۳۹ (تابستان ۱۳۹۴)، ص ۱۶۵-۱۸۸.

بازرگان، عباس. مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته: رویکردهای متداول در علوم رفتاری، تهران: نشر دیدار، ۱۳۹۲.

بیات، آصف. زندگی همچون سیاست، ترجمه فاطمه صادقی، تهران: کتابخانه الکترونیکی امین، ۱۳۹۰.

_____ . سیاست‌های خیابانی، ترجمه سیداسدالله نبوی چاشمی، تهران: پردیس دانش، ۱۳۹۱.

بیرد، ویکتوریا و فرانک میرآفتاب و کریستوفر سیلور. برنامه‌ریزی و تمرکززدایی: فضاهای متعارض برای اقدام جمعی در جهان جنوب، تهران: آگه، ۱۳۹۷.

پرتوی، پروین. پدیدارشناسی مکان، تهران: فرهنگستان هنر، ۱۳۸۷.

پرلمن، جانیس. فاولا چهار دهه زندگی بیمناک در سکونتگاه‌های ریودوژانیرو، ترجمه کیومرث ایراندوست و گلائیول مکرونی، انتشارات دانشگاه کردستان، ۱۳۹۷.

پوردیهیمی، شهرام. «فرهنگ و مسکن»، در مسکن و محیط روستا، ش ۱۳۴ (تابستان ۱۳۹۰)، ص ۳-۱۸.

پیران، پرویز. «آلونک‌نشینی در ایران»، در مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره‌های ۹۱ تا ۹۶ (۱۳۷۴).

_____ . «تقدم و تسلط شهری: دیدگاه‌های نظری»، در مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ش ۳۰ (۱۳۶۸).

_____ . «شهرنشینی شتابان و ناهمگون: مسکن نابهنجار»، در مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ش ۱۵ (دی ۱۳۶۶)، ص ۵۴-۵۶.

_____ . طرح ساماندهی تپه مردآباد کرج (زورآباد)، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲.

- _____ . معماری: حضور، زبان و مکان، ترجمه علیرضا سیداحمدیان، تهران: نیلوفر، ۱۳۸۷.
- _____ . مفهوم سکونت: به سوی معماری تمثیلی، ترجمه محمودامیر یاراحمدی، تهران: آگه، ۱۳۸۱.
- نیومن، ویلیام لارنس. روش‌های پژوهش اجتماعی: رویکرد کمی و کیفی، ترجمه ابوالحسن فقیهی، تهران: نشر ترمه، ۱۳۹۴.
- هاروی، دیوید و اندی مری فیلد. حق به شهر، ترجمه خسرو کلانتری، تهران: مهر وبستا، ۱۳۹۱.
- هاشم‌نژاد شیرازی، هاشم و محمدامین شریفیان. «بازشناسی مفهوم سکونت از دیدگاه پدیدارشناسان»، در دومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم جغرافیا و برنامه‌ریزی معماری و شهرسازی، ۱۳۹۴.
- کوچکیان، مسعود و سیمون آیوزیان و داراب دیبا و ویدا نوروز برازجانی. «بازتعریف مفهوم مسکن و سکونت بر اساس مؤلفه‌های اقتصادی و اجتماعی»، در مدیریت شهری، ش ۴۹ (زمستان ۱۳۹۶)، ص ۲۶۳-۲۸۶.
- مدنی‌پور، علی. تهران: ظهور یک کلانشهر، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، ۱۳۸۱.
- محمدی‌زاده، غلامحسین. «تحلیل شناخت مفهوم سکونت و مسکن در جغرافیای محیطی با تأکید بر بازخوانش نظریه فرهنگ‌گرایی آموس راپاپورت»، در فصلنامه مدیریت شهری، ش ۴۲ (بهار ۱۳۹۵)، ص ۳۶۹-۴۰۲.
- نوربرگ-شولتز، کریستیان. گزینه‌ای از معماری: معنا و مکان، ترجمه ویدا نوروز برازجانی، تهران: جان و جهان، ۱۳۸۲.

AGA KHAN. *Al-Azhar Park, Cairo and the Revitalization of Darbal-ahamar*, Project brief, 2005.

Alsayyad, A. "Squatting and Culture: A Comparative Analysis of Informal Developments in Latin America and the Middle East", in *Habitat International*, No. 17 (1993), pp. 33-44.

Bachelard, G. *The Poetics of Space*, Boston: Beacon Press, 1994.

Bari, A. *Understanding Urban Informality: Everyday Life in Informal Urban Settlements in Pakistan*, A thesis submitted for the degree of Doctor of Philosophy in the School of Geography, Politics and Sociology at Newcastle University, 2016.

Bayat, A. "From Dangerous Classes to Quiet Rebels: Politics of the Urban Subaltern in the Global South", in *International Sociology*, Vol. 15, No. 3 (2000), pp. 533-557.

_____ . "Radical Religion and the Habitus of the Dispossessed: Does Islamic Militancy Have an Urban Ecology?", in *International Journal of Urban and Regional Research*, 31(3) (2007), pp. 579-590.

Benjamin, S. "Occupancy Urbanism: Radicalizing Politics and Economy Beyond Policy and Programs", in *International Journal of Urban and Regional Research*, 32(3) (2008), pp. 719-729.

Bhabha, Homi K. *The Location of Culture*, London:

Routledge Classics, 1994.

Coolen, H. & R. Ozaki. *Culture, Lifestyle and the Meaning of a Dwelling*, Delft University of Technology, 2004.

Davis, M. *Planet of Slums*, New York: Verso, 2006.

De Soto, H. *The Other Path: The Invisible Revolution in the Third World*, New York: Harper & Row, 1989.

_____ . *The Mystery of Capital: Why Capitalism Triumphs in the West and Fails Everywhere Else*, New York: Basic Books, 2000.

Friedmann, John. *Empowerment: The Politics of Alternative Development*, Wiley- Blackwell, 1992.

Gilbert, A. *The Latin America City*, London: Latin America Bureau, 1994.

Grundstrom, K. *Gender and Use of Public Space, Housing Development and Management-HDM*, Lund University, 2005.

Heidegger, M. *Poetry, Language, Thought*, Trans. Albert Hofstadter, New York: Harper & Row, 1971.

Huchzermeyer, M. "Enumeration as a Gressroot Tool Towards Security Tenure in Slums: Insights from Kisumu, Kenya", in *Urban Forum*, 20 (2009), pp. 271-292.

Khalil, A. & A. El-Aal & N. Quintero & H. Aayash & M. El-Wahab & M. Ibrahim & K. Marei. "Improving Living Conditions in Informal Settlements, The Case of El-Arab, Hurghada", in *Environmental Sciences*, No. 34 (2016), pp. 13- 24.

- Lombard, M. "Constructing Ordinary Places: Place-making in Urban Informal Settlements in Mexico", in *Progress in Planning*, No. 94 (2014), pp. 1-53.
- Maslow, A. *Maslow's Theory of Motivation and Hierarchy of Human Needs: A Critical Analysis*, by Allison Ruby Reid-Cunningham, Berkeley: MSW School of Social Welfare University of California, 2008.
- Meesters, J. *The Meaning of Activities in the Dwelling and Residential Environment*, IOS Press under the imprint Delft University Press, 2009.
- Meir, A. & M. Gekker. "Gendered Space, Power Relationships and Domestic Planning and Design among Displaced Israeli Bedouin", in *Women's Studies International Forum Journal*, No. 34 (2011).
- Neuwirth, R. *Shadow Cities; A Billion Squatters, a New Urban World*, Trans. A. Pourahmad et al, University of Tehran, 2010.
- Owen, K. & D. Wong. "An Approach to Differentiate Informal Settlements Using Spectral", *Texture, Geomorphology and Road Accessibility Metrics*, in *Applied Geography*, No. 38 (2013), pp. 107-118.
- Pallasma, J. "Space, Place and Atmosphere: Peripheral Perception in Existential Experience", in Ghost 13 International Architecture Conference, Canada: Nova Scotia, 9th June 2011.
- _____. *The Eyes of the Skin: Architecture and the Senses*, England: Wiley Academy, 1996.
- Roman, M. & A. Ortiz & M. Prats. "Urban Planning, Gender and the Use of Public Space in a Peripheral Neighbourhood of Barcelona", in *Cities*, No. 21 (2004), pp. 215-223.
- Roy, A. *Urban Informality: The Production of Space and Practice of Planning*, The Oxford, 2012.
- Roy, A. & N. AlSaiyad. *Urban Informality: Transnational Perspectives from the Middle East, Latin America, and South Asia*, Lanham, MD: Lexington Books, 2004.
- Ruther, H & M. Hagai & E.G. Mtalo. "Application of Snakes and Dynamic Programming Optimization Technique in Modeling of Buildings in Informal Settlement Areas", in *Journal of Photogrammetry & Remote Sensing*, No. 56 (2002), pp. 269-271.
- Saaghus, A. *From Flooding to Formalization: A Case Study of the Informal Settlement of Green Park, Cape Town;* University of Oslo, Master Thesis in Human Geography Department of Sociology and Human Geography, 2016.
- Simone, A. "People as Infrastructure: Intersecting Fragments in Johannesburg", in *Public Culture*, No. 16(3) (2004), pp. 407-429.
- Sixteenth Report of State of the Nation on Sustainable Human Development*, Estado De La Nacion, En Desarrollo Humano Sostenible, Costa Rica, Guila.
- Smith, G. & J. Craft (Eds). *Our House: The Representation of Domestic Space in Modern Culture*, Amsterdam-New York: Rodopi press, 2006.
- Some, W. & W. Hafidz & G. Sauter. "Renovation not Relocation: The Work of Paguyuban Warga Strenkali (PWS) in Indonesia", in *Environment & Urbanization*, 2009.
- UN-HABITAT. *The Challenge of Slums - Global Report on Human Settlements*. London & Sterling: UN-HABITAT - Earthscan Publications Ltd, 2003.
- UN-HABITAT. *HABITAT in – INFORMAL SETTLEMENTS. Global Report on Human Settlements*, London & Sterling: UN-HABITAT - Earthscan Publications Ltd, 2016.
- Wolford, R. *Wandering in Dwelling*, a thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of Ph.d. in architectural theory, Washington state university, 2008.
- Zeilhofer, P. & V. Topanotti. "GIS and Ordination Techniques for Evaluation of Environmental Impacts in Informal Settlements: A Case Study from Cuiaba, Central Brazil", in *Applied Geography*, Vol. 28 (2008), pp. 1-15.